

گزارش کامل

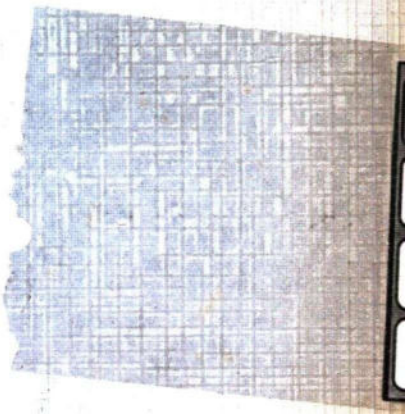
تظاهرات ۱۵ - ۱۷ خرداد ۵۴

در

بزرگداشت

قیام پانزدهم خرداد (۱۲ محرم) ۴۲

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)



... تأسف واقعه جانسوز « ۱۷ خرداد ۵۳ » مدرسه  
قیضیه و دارالشفاء که واقعه قتل عام « ۱۵ خرداد ۴۲ »  
را زنده کرد.

امام خمینی

P. O. BOX 4485 SPRINGFIELD, MO. 65804  
U. S. A.

انتشارات الفتح

تهران - خیابان ناصر خسرو  
کوچه خدا بنده لو

قیمت ۲۰ ریال

تقدیم

به

مبارزان

مجاهدان

آنهایی که فقط در راه خدا و برای خدا دور از هرگونه خودنمایی خود بزرگ  
بینی نفاق، انقلابی نمائی... مبارزه کرده و می کنند...  
تقدیم به

روحانیون مبارز و مجاهد.

به

مجاهد کبیر آیت الله طالقانی

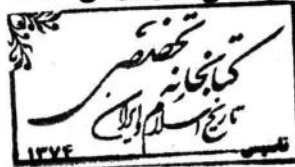
مجاهد کبیر آیت الله منتظری.

به مجاهدان مبارز

دکتر عباس چمران

دکتر ابراهیم یزدی

و تمامی مبارزین فی سبیل الله



## مقدمه

رژیم دقیانوسی همواره با همکاری و همکاری مطبوعات ننگین سعی داشت که نهضت اسلامی ایران را مارکسیستی اعلام نماید. ولی بزودی این فریب شاهانه و منافقانه نقش بر آب گشت و سیمای اسلامی جنبش ایران نمایان گشت.

و بالاخره جاء الحق و زهق الباطل بر تمامی کافران، منافقان، ستمگران در تمامی روی زمین آشکار گشت.

در گذشته مطبوعات وضع ذلت باری داشتند از یک سوی رژیم با سانسور بر آن‌ها حاکم بود و از دیگر سوی روشنفکران بی‌ایمان و ضد مردمی که هنری جز مبارزه بر ضد اسلام و تفکر قرآن نداشتند بر سیاهی و تاریکی روزنامه‌ها می‌افزودند... حتی مجلات و نشریاتی که از دو موسسه کیهان و اطلاعات منتشر می‌شد هدفی جز گمراه کردن و منحرف نمودن دختران و پسران نداشتند... اعتراضات، انتقادات، پیشنهادات... از سوی شخصیت‌های اصیل اسلامی جهت نشان دادن نقاط ضعف و انحراف قلمزنان سودی نبخشید... وقتی ملت مسلمان ایران بر رهبری امام خمینی تصمیم نهائی خود را برای در هم کوبیدن بساط ظلم و جنایت و فساد... گرفت و مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر خود را ادامه داد... و تار و پود ستمگران و جنایتکاران پهلوی را در هم ریخت... و بر ویرانه‌های آن یک حکومت موقت انقلابی بنا نهاد. مطبوعات کثیف و منحرف بهمان راه ضد مردمی خود ادامه دادند ولی دست‌راز غرب بسوی شرق دراز نمودند... و این بار صدائی که شناگوی امپریالیسم و کاپیتالیسم غرب بود تبدیل به سخنگوی کاپیتالیسم دولتی شرق نمودند... و با عناوین فریبنده انقلاب دموکراتیک... نهضت غیر اسلامی... پس سهم حزب توده چه شد... غنائم مارکسیست‌های رستاخیزی... مزد کمونیست‌های سلطنتی... حق‌الحساب مطبوعات فاشیستی... حق‌السکوت سابقه داران حرفه‌ئی... پس اگر ندهند ما فرهاد می‌زنیم... شروع شد... البته تمامی آن باز زبان بی‌زبانی... مسلماً "روزنامه‌ها و قلم بدستان حرفه‌ئی و تحلیل‌کنندگان انقلاب دموکراتیک سفید شاه و آمریکا... تنظیم‌کنندگان مرامنامه‌ی ماتریالیستی رستاخیزی... که تا

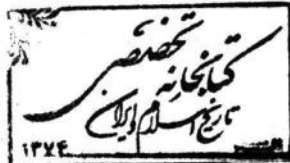
دیروز از شرکت نفت ، شرکت هواپیمائی ، شرکت ساواک . . . البته مسئله‌ی  
آیندگان که یک روزنامه‌ی صهیونیزم بودو حتی دستگاه چاپ آن از اسرائیل  
وارد شد و مؤسس و مدیری چون داریوش همایون داشت با مطبوعات دیگر  
جداست . . . "مزد ماهانه می‌گرفتند و حال که حکومت اسلامی هیچگونه  
باج سبیل بحضرات نمیدهد ، عکس‌العمل‌ها روشن است . . .

متن حاضر که از نظر خواهران و برادران می‌گذرد چاپ اول‌اش در  
اروپا بهمت آزادگانی که امروز مورد نهضت حضرات مطبوعاتی است صورت  
گرفته . و بعنوان سندی رسواکننده برای رژیم سفاک و بلندگویانش بشمار  
می‌رود . باشد که برای نسل حاضر و نسل‌های آینده روشنگر باشد . به امید  
آن که بتوانم تمامی اسناد و مدارک را به‌مملت مجاهد ایران ارائه دهیم گر  
چه منافقان را خوش نیاید  
والسلام من تبع الهدی

و

محسن عدوان

۱۳۵۷/۱۲/۲۲



## بنام خدا

در دوازدهمین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۵۴، یکبار دیگر ملت قهرمان ما بمنظور بزرگداشت خاطره شهدای آنروز بزرگ و نشان دادن تنفر و انزجار خود از جنایات رژیم دژخیم پهلوی با شرکت در تظاهرات وسیع ضد رژیم، آمادگی روزافزون خود را برای شرکت در یک مبارزه اجتناب ناپذیر همه جانبه اعلام کرد. در این تظاهرات که همزمان و توأم با یاد بود شهادت پنج تن از شهدای بزرگ مجاهدین اصیل خلق ( سعید محسن - مشکین فام - حنیف نژاد - بدیع زادگان - عسکریزاده ) با شکوه و عظمت و جلای فراوانی برگزار شد، هزاران نفر از مردان و زنان حق پرست و شرافتمند ایرانی از هر طبقه و گروه و قشری علیه رژیم پهلوی که پوشاننده بند رژیم شاه، با فریادهای خشم آلود، با قلبی ملو از عشق به خلق و کینه و نفرت از دشمن خلق به خیابانها ریختند تا یاد شهیدان ۱۵ خرداد را گرامی داشته و عملاً به یایه سرائی های شاه پاسخ دهند.

این تظاهرات حنان داع دل شاه و اربابانش را تازه کرد که وی پس از گذشت ۱۲ سال اجباراً باز به قیام ۱۵ خرداد حمله کرد و آنرا تخطئه نمود. شاه در ۲۴ خرداد ماه ۴۴ خطاب بگروه بااصطلاح بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت، تحت عنوان " با ارتجاع سیاه و بیوطنهای سرخ روبرو هستیم " گفت :  
" ضمناً میخواستیم شما از نظر علمی یک مطلب دیگری را که بکرات بآن اشاره کردیم این را برای خودتان و هم برای ملت برای همه مطالعه کنید و آن پدیده ایست که ما از روز اول انقلاب ایران بآن متوجه شدیم و تذکر دادیم و آن بقول خود من اتحاد ناقص ارتجاع سیاه و بیوطنهای سرخ است. این را ما هنوز که هنوز است در پانزدهم خرداد دیدیم. مرتجع ترین طبقات مملکت . . . با بیوطنهای سرخ همدست بودند."  
سپس شاه از اینکه هنوز که هنوز است . . . ملت قهرمان ما یاد شهدای ۱۵ خرداد را بزرگ میدارد و علیه اینهمه فشار و اختناق، مردانه بپا خاسته است سخت تعجب کرده و گفت :

" بیروز یا یک روز بیشتر در محیط دانشگاهی ایران منجمله دانشگاه تهران ما شمارها دیدیم عجیب !! یعنی باز همان بیوطنهای سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند :  
گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد . . . چطور ممکن است یک ایرانی آنروز سیاه و کتیف را

گواهی بدارد! ... این خودش يك انگیزه مخصوص است که باید در اطرافش رسیدگی کرد ... ( کیهان هوائی ۲۴ خرداد ۵۴ ) .

تعجب شاه و ایادی او وقتی اوج گرفت که در دانشگاه تهران، صدها دانشجو و در قم هزاران مردم کوچک و خیابان ... با فریادهای خمینی بت شکن از جنبش اصیل انقلابی ایران پشتیبانی کردند . روزنامه های رژیم که مجبور شدند اخبار این تظاهرات را درج کنند، چنین نوشتند که :

" این عده از دانشجویان که زمانی خودشان را روشنفکر میدانند و گاهی خود را دارای افکار مذهبی و زمانی خویش را روشنفکر مذهبی مینامند، ضحی اخلاص در مراکز آموزش عالی ... کلاً از فردی متابعت میکنند که چه در گذشته چه در زمان حال با هرگونه اصلاحی در کشور مخالف بوده ... ( کیهان هوائی ۲۴ خرداد ۵۴ ) .

رژیم خائن پهلوی که از آوردن نام خمینی بزرگ بیم دارد و حاضر نیست به محبوبیت امام خمینی در بین توده مردم، حتی در بین دانشجویان دانشگاهها و تحصیل کرده ها در داخل و خارج از ایران اعتراف کند، از او با کلمه " فردی " نام میرود و این خود نشانه هنده زنده ماندن خاطره قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و مبارزات روحانیت اصیل برهبری امام خمینی، در بین توده مسلمان، از جمله دانشجویان بوده و از طرف دیگر نشانه هنده ادامه رشد و گسترش اسلام انقلابی و اصیل در بیسن روشنفکران و دانشجویان و سایر طبقات خلق ما میباشد که همواره در طول ۱۲ سال گذشته بخود بالیده و بعنوان تنها ایدئولوژی قابل قبول برای ملت ما توانسته است پایگاه مبارزات انقلابی خلق ما قرار گیرد .

مراسم بزرگداشت قیام خونین ۱۵ خرداد همزمان در شهرهای مختلف برگزار شد و دانشجویان حوزه های علمیه در برگزاری این مراسم نقش موثری داشتند و اینبار اغلب دستگیریهها و تلفات متوجه آنها بود . در قم این تظاهرات از همه جا وسیعتر بوده و بمدت سه روز، از ۱۵ خرداد تا ۱۷ خرداد ادامه یافت که منجر به تعطیلی حوزه علمیه قم و دستگیری و شهادت عده زیادی از طلاب و مردم زائر و ساکن قم گردید . در این جزوه گزارش فصل این تظاهرات، حملات بی شرمانه رژیم، دستگیری ها و شکنجه های درخیمانه او را که در همان زمان توسط یکی از شرکت کنندگان در این تظاهرات تهیه شده و مستقیماً برای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور فرستاده شده است منتشر میگردد .

## گزارش کامل تظاهرات ۱۵ - ۱۷ خرداد ۱۳۵۴

عصر روز ۱۵ خرداد طلاب به نسبت سالروز ۱۵ خرداد خونین ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه اجتماع و مجلس یادبودی تشکیل دادند. مجلس کم کم مبدل به تظاهرات با شکوهی گردید و شعارهای درود بر خمینی . . . . . خدا نگهدار تو، بعیرد، بعیرد دشمن خونخوار تو، صلوات بروج شهید<sup>۱</sup>، راه فضیلت در فضای مدرسه طنین افکند. ماموران ساواک و شهربانی که از قبل پیش بینی چنین واقعه را می نمودند، بلافاصله مدرسه را محاصره کردند. در واقع نیروهای دشمن از روز ۱۴ خرداد بحال آماده باش بسر میبردند ( این مطلب را یکی از مزدوران بعد از دستگیر نمودن طلاب فاش ساخت ). طلاب بعد از چند لحظه قصد داشتند تظاهرات را در خیابانها بکشانند، که مامورین با باتون و فشار آب قوی مانع از خروج طلاب از مدرسه شدند این عمل چندین بار تکرار شد. به هنگام نماز مغرب طلاب دسته جمعی نماز خواندند و بعد با آنکه عده<sup>۲</sup> از عناصر بی تفاوت مدرسه را ترک گفتند، حدود . . . نفر بمنظور برپا داشتن تظاهرات در مدرسه باقی ماندند، مامورین نیز حلقه<sup>۳</sup> محاصره را تنگتر نمودند. بعلت اهداف بودن این شب با شب جمعه علاوه بر ساکنین قم جمع کثیری از مردم که از اطراف و اکناف ایران بمنظور زیارت حضرت معصومه (ع) بقم آمده بودند، از نزدیک شاهد صحنه بودند. طلاب با حرارت و جسارت تمام دسته جمعی شعار میدادند، شعارهای درود بر خمینی و مرگ بر شاه و اربابانش همواره بگوش میرسید. جمعیت زیادی در اطراف مدرسه اجتماع کرده بودند و به شعارهای تظاهرکنندگان گوش میدادند. طلاب از دو بِنجره<sup>۴</sup> مدرسه که بطرف میدان آستانه باز میشود، و همینطور از پشت بام مدرسه شعار میدادند و مامورین هم مرتب در و بِنجره<sup>۵</sup> مدرسه را آب می بستند. تظاهرات ادامه یافت و هر لحظه بر تعداد جمعیت در اطراف مدرسه افزوده میشد. مامورین که نتوانسته بودند با تهدید و ارباب از نزدیک شدن مردم به صحنه جلوگیری بعمل آورند، بمنظور متفرق کردن مردم و ساکت نمودن طلاب اقدام با استعمال گاز اشک آور نمودند. و از گوشه<sup>۶</sup> جنوبی فیضیه و از پشت بام مسافرخانه ۲ عدد گاز بداخل مدرسه پرتاب نمودند، طلاب در ابتدا بگمان اینکه نارنجک پرتاب نموده اند از محل انفجار گازها دور شدند ولی بعد از اینکه فهمیدند گاز اشک آور است با استفاده از آب حوض بزرگی که در وسط مدرسه قرار دارد، اثر آنها را خنثی نمودند، ورزش شدید باد نیز بدین امر کمک نمود و طلاب بعد از چند دقیقه دوباره با شور و حرارت تظاهرات را از سر



گرفتند . این وضع تا نیمه های شب ادامه داشت . بعد از نصف شب بجز چند نفر نگهبان بقیه طلاب در مدرس و اتاقها و صحن مدرسه باسراحت برداختند . قبل از طلوع فجر طلاب از خواب بیدار شدند و بعد از وضو و اذان دسته جمعی و نماز تظاهرات دوباره از سر گرفته شد . آنروز زابیرین و اهالی قم با صدای الله اکبر الله اکبر که مرتب تکرار میشد از خواب بیدار شدند . تظاهرات با شور و حرارت وصف ناپذیری تا حوالی ساعت ۷ صبح ادامه داشت تا ساعت ۸ صبح پلیس بکسی اجازه ورود به مدرسه را نداد و چند نفری هم که میخواستند از مدرسه خارج شوند دستگیر شدند . بعد از ساعت ۸ و در حوالی ساعت ۹ کم کم عبور و مرور بحالت عادی در آمد و پاسبانها با حفظ آمادگی شان کمی دورتر از در مدرسه موضع گرفتند البته وجود چند ماشین پلیس و آتش نشانی همه را متوجه وخامت اوضاع میکرد و این سؤال را برای هر بی خبر و تازه واردی بوجود میآورد که چه خبر است ؟ . در این روز هر که وارد مدرسه فیضیه میشد صحن آنرا پر از آجر پاره ها و چوب که از شب قبل بجا مانده بود ، میدید همچنین شعارهایی که برنگ قرمز با خط درشت روی پارچه های سفید نوشته شده بود و مقابل در ورودی روی دیوار کتابخانه نصب شده بود و همینطور یکدانه عکس آیه الله خمینی که روی تابلوی کتابخانه چسبانده شده بود ، توجه هر بیننده را بخود جلب میکرد روی یکی از پارچه ها شعر "بیاد آریم آن ماه محرم نیمه خرداد ، خروش خشم انسانهای آزاده ، خمینی و خمینی ها " بخط درشت نوشته شده بود . مامورین جرئت نکردند اقدام بکندن این شعارها نمایند . در واقع امسال مبارزات طلاب توأم با خشونت بوده و مزدوران همانند سال های قبل جرئت ندارند آرام و بدون اسلحه برای دستگیری و یا کندن اعلامیه و شعار وارد مدارس قم شوند . همیشه ساواکیها همراه با پاسبانهای مسلح وارد مدرسه ها شده اند ، شب خونین و تاریخی روز ۱۷ خرداد فرا رسید و در غروب روز ۱۶ خرداد جمع کثیری از طلاب و سایر طبقات در مدرسه فیضیه اجتماع نمودند ، چهره های همم و خشمگین طلاب جوان حاکی از تصمیم آنها به برپا داشتن تظاهرات بود . با غروب خورشید روز جمعه ۱۶ خرداد نعره های خشمگین الله اکبر و صلوات در فضای روحانی شهرستان قم طنین افکند و لرزه بر اندام مزدوران انداخت . ابتدا صدای "بروان پاک شهیدان راه فضیلت" ۱۵ خرداد صلوات " همه " حاضرین را بکشد بگفتن صلوات واداشت و این کار چندین بار تکرار شد و آنگاه طلاب دسته جمعی

و با صدای رسا بگفتن الله اکبر پرداختند و شعارهای درود بر خمینی نیز چندین بار تکرار شد و آنگاه بعد از چند دقیقه ضمن دادن شعار به راه پیمائی در طول مدرسه پرداختند. با نزدیک شدن وقت نماز مغرب تظاهرکنندگان برای وضو گرفتن متفرق شدند اما از گوشه و کنار مدرسه گاهگاهی صدای صلوات و شعار بگوش می آمد نماز جماعت برپا شد و بعد از تمام شدن نماز هنگامیکه پیشنماز آقای اراکسی میخواست مدرسه را ترک گوید تظاهرکنندگان بدنهای ایشان صف بسته و با فریادهای بلند تا در مدرسه ایشان را همراهی کردند و آنگاه با متشکل شدن مظاهریین و تشویق همه حاضرین جمعیت همچون سیل بقصد برپاداشتن تظاهرات در خیابان ها از مدرسه خارج شدند. پیشاهنگان تا وسط میدان آستانه رسیدند که ناگهان با حمله وحشیانه پلیس و فشار آب قوی روبرو شدند تنها ماشین آتش نشانی قسم که توسط تلحه به شیر آبی که وسط پارک جلوی آستانه قرار دارد متصل شده بود، بی هم مظاهریین را با آب می بست، ناچار مظاهریین بطرف در مدرسه عقب نشستند. جمعیت کم کم زیاد میشد و قدم بقدم بطرف مدرسه پیشروی میکردند. کوشش برای خروج از مدرسه چندین بار از طرف تظاهرکنندگان تکرار شد که بعلت فشار آب قوی هر بار ناچار به عقب نشینی میشدند. راهی که در مدرسه را بعیدان آستانه وصل میکند ۱۵ متر طول و ۱٫۵ متر عرض دارد که این خود مانع بزرگی در راه خروج جمعیت انبوهی بود و کار دشمن را آسان تر میکرد. ماشین آب پاشی درست مقابل در مدرسه قرار گرفته بود و لا ینقطع با هدف گرفتن در مدرسه آب پاشی میکرد طوری که آب در داخل مدرسه جاری شده بود و قسمت بزرگی از حیاط را آب فرا گرفته بود. بهر حال تا ساعت ۹٫۵ شب تلاش برای بیرون شدن از مدرسه نتیجه ای نداد. از طرفی مردم هر لحظه به در مدرسه نزدیکتر میشدند، خیابانهای ارم، چهار مردان، آستانه و اراک از جمعیت موج میزد. علاوه بر اهالی و زائرین بعلت موقعیت ویژه ای که در آنجا، هر ساعت صدها مسافر تهران - جنوب و تهران - غرب با مشاهده وضع غیرعادی در قم توقف میکردند. نزدیکهای ساعت ۱۰ شب ماهریین که بوسیله نیروهای کمکی تقویت شده بودند مردم را از محل تظاهرات دورتر کردند. چه تظاهرات و فریادهای حمینی، خمینی خدا نگهدار تو بعید بعید دشمن خونخوا، تو، درود بر حمینی، مرگ بر شاه، درود بر مجاهدین دین، مرگ بدشمنان دین، درود بر مجاهد، درود بر فدائی، مرگ بر امریکا، امریالیسم و صهیونیسم جنسی

برای يك لحظه قطع نمیشد و مردم را به هیجان میآورد. تظاهرکنندگان در حدود ۷۰۰ نفر و بیشتر از شب قبل بود البته یکمده به تهیه آجر و چوب پرداخته بودند. طلاب همگی چوب و آجر بدست گرفته بودند. چه بعد از اینکه طلاب موفق به خروج از مدرسه نشدند و دشمن حلقه محاصره را تنگتر کرد احتمال حمله دشمن بمدرسه بیشتر شده بود. در ساعت ۱۰ شب تلاش برای خروج از مدرسه بکلی متوقف شد، در مدرسه را از داخل بستند و تظاهرات در داخل و از پشت بام و بخصوص از دو پنجره کوچکی که بطرف میدان آستانه باز میشد، ادامه یافت. یکی از طلاب با استفاده از بلندگو با صدای هرچه رساتر خطاب به جمعیت چنین گفت "ملت! ما فرزندان شما هستیم ما برای دفاع از اسلام و قرآن و برای استقلال و آزادی کشورمان از یوغ استبداد آریامهر و استعمار امریکا و اسرائیل و احقاق حقوق رنجبران و ستمدیدگان مبارزه میکنیم. پاسانها! شما برادران ما، هدف ما رژیم خونخوار پهلوی است نه شما... " که بلافاصله پنجره ها نیز توسط ماشین و تلمبه های آب، بآب بسته شدند ولی چند نفر مرتب از پنجره ها شعار میدادند و فریاد درود بر خمینی و حق بر باطل پیروز است و هرکس دستش قرآن است، جایش کج زندان است... يك لحظه قطع نمیشد. با وجودیکه شب به نیمه نزدیک میشد ولی بر تعداد جمعیت افزوده میشد و تظاهرکنندگان حداکثر استفاده را کردند و صدایشان را بگوش هزاران نفر که از گوشه و کنار ایران آمده بودند می رساندند. چند بار مامورین دشمن با استفاده از پشت بام اتاقهای صحن کوچک حضرت معصومه (ع) و سافرخانه، کوشش کردند که به پشت بام مدرسه آمده و از نزدیک داخل مدرسه را زیر نظر بگیرند که هر بار توسط دیده بانان طلاب کشف و زیر باران سنگ و آجر و فریادهای "مزدور بسرو گمشو" مجبور به عقب نشینی میشدند. نزدیک نیمه های شب که تظاهرات باوج خود رسیده بود و مردم علیرغم بانون پلیس که بیرحمانه بسر و صورتشان نواخته میشدند، هیجان زده هر لحظه بمدرسه نزدیکتر میشدند، و علاوه بر مدرسه فیضیه و دارالشفاء در مدرسه خان نیز طلاب مبادرت به برپا کردن تظاهرات نموده بودند، مامورین اقدام باستعمال گاز اشک آور نمودند و چند نفر مامور که با ماسکهای ضد گاز مجهز بودند و وعده گاز بداخل مدرسه پرتاب کردند که یکی منفجر نشد و دیگری هم که منفجر شد بلا فاصله توسط آب خنثی گردید، طلاب در محل انفجار گاز آب ریختند و بسه چشمهای خودشان نیز آب زدند. این تلاش مذبحخانه، مزدوران هیچ تغییری در

اوضاع بوجود نیامد و تظاهرات تا ساعت ۱۲ شب همچنان با شور و حرارت ادامه داشت. از این ساعت به بعد مدرسه کم کم آرام شد و طلاب بخاطر رعایت حال مردم دست از تظاهرات کشیدند با اینهمه گاهگاهی فریادهای انفرادی و گاهسی دسته جمعی از گوشه و کنار مدرسه بگوش میرسید که از طرف عده دیگری پاسخ داده میشد. حوالی ساعت دو بعد از نصف شب مدرسه کاملاً آرام شد و بجز عده نگهبان اگر طلاب باستراحت پرداختند بدین ترتیب این شب، که برای باکردانی آخرین شب بود بیایان خود نزدیک میشد. از خصوصیات این تظاهرات هماهنگی و اتحاد و صمیمیت و شهادت بی نظیر تظاهرکنندگان بود و همه چیز طبق برنامه طرح ریزی شده پیش میرفت. در این شب سخنرانیهایی بمنظور راهنمایی و تقویت روحیه تظاهرکنندگان و هدف از تظاهرات و انجام آن، ایراد شد. در فجر خونین آنروز بعد از نماز دسته جمعی فریادهای مرگ بر شاه پایه های پوشالی رژیم را بلورده در آورد، نیروهای محاصره کننده تقویت شدند و تظاهرات با حرارت و هیجان بیش از پیش دوباره آغاز شد. مردم با شنیدن صداهای خشمگین متظاهرین در همان صبح زود در اطراف مدرسه اجتماع نمودند. بعدها یک نفر از زیرین که خود شاهد تمام جریانات بود نقل میکرد که: خیلی از اهالی و زوار آتش تا صبح خوابیدند و به بحث در اطراف قضیه پرداخته بودند. تظاهرات همچنان تا طلوع آفتاب ادامه داشت اما با طلوع آفتاب از شدت تظاهرات کاسته و طبق برنامه طرح ریزی شده جویها جمع آوری شد، طلاب بیهوشان رسیده بودند آنها ضعیف گرامی داشتی خاطره خونین خرداد، با استفاده از حضور هزاران نفر زائر رژیم را رسواتر از پیش ساختند و نقاب از چهره ضد مردمی و ضد اسلامی آریامهر برداشتند و نوطه و تبلیغات اخیر رژیم را خنثی نمودند. بنابراین بود که حوالی ساعت ۸ در مدرسه باز شده و تظاهرکنندگان با استفاده از کثرت جمعیت و قاطی دیگر طلاب از جنگ مزدوران بیرون روند این بود که تا ساعت ۷ باعداد به تظاهرات پایان داده شد و در مدرسه باز گردید. اما ما همین ضمن اینکه مانع ورود افراد از خارج مدرسه و حتی نزدیک شدن آنها به مدرسه میشدند، افراد داخل را تشویق به خروج مینمودند که معلوم بود هدف از اینکار دستگیری بدون زحمت جبارین است. از طرفی حلقه محاصره تنگتر میشد که چون با باز بودن دروازه احتمال حمله میرفت بعد از ۱۵ ساعت در مدرسه دوباره بسته شد. از ظواهر چنین بر میآید که دشمن قصد ندارد بدون دستگیری

تظاهرکنندگان دست از معاصره بکشند اما سعی دارد بدون حمله بمدرسه و بر خود شدید، تظاهرکنندگان را با حيله و نیرنگ فریب داده و در خارج از مدرسه دستگیر نماید امکان رهایی تظاهرکنندگان خیلی کم بود. تظاهرات با هیجان و حرارت وصف ناپذیری آغاز شد، چوب و آجر بمقدار زیادی جمع آوری گردید، مظاہرین برای اینکه شناخته نشوند با دستمال و برگ و گل درختان سر و صورت شان را پوشانیده بودند. برای اینکه بهتر صدایشان بگوش مردم برسد دسته جمعی در پشت بام مدرسه براه پیمائی و دادن شعار صادر کردند. خیابانهای اطراف فیضیه تا آنجائی که در معرض دید از پشت بام مدرسه قرار داشت از جمعیت موج میزد. قسمت اعظم نیروهای پلیس را مردم بخود مشغول کرده بود چون فشار برای نزدیک شدن بمدرسه هر لحظه بیشتر میشد. در این هنگام طلاب مدرسه خان نیز شروع به تظاهرات نمودند که مواجه با حمله پلیس و مجبور به بستن در شدند، تظاهرات کم کم در میان مردم کسانده شد و مردم با گفتن صلوات و شعار طلاب را همراهی میکردند. شور و حرارت که آن روز مردم را فرا گرفته بود وصف ناپذیر است، تظاهرات باوج خویش میرسید از طرفی دیگر هیچ مزدوری جرأت نداشت که از ۲۰۰ متری مدرسه جلوتر بیاید. ساعت ۹ قبل از ظهر برای جلوگیری از حمله پلیس بمدرسه و اتمام حجت، طلاب به آقایون تلفن کردند و خاطر نشان ساختند که مدرسه در خطر حمله پلیس است. بجز آقای سید صادق روحانی بقیه اصلا جواب ندادند. آیه الله مذکور نیز طلاب را با وعده سرگرم نمود و تا لحظه آخر با وجود تلفنها و تقاضاهای مکرر هیچکس دست باقدا می نزد. حتی سرهنگ شهرستانی قبل از حمله به آیه الله شریعتمداری تلفن و تقاضای میانجی گری را مینماید که جواب رد میشوند. باری بر شدت تظاهرات و جمعیت هر لحظه افزوده میشد و طلاب که تظاهرات را از داخل به پشت بام مدرسه کسانده بودند و در معرض دید مردم قرار گرفته بودند، سبب دستپاچگی بیش از حد دشمن شده بود. در این هنگام پلیس برای تهدید و ارعاب تظاهرکنندگان دست به مانورهای مختلفی زد. از جمله هنگامی که طلاب ضمن راه پیمائی بجهت شرقی مدرسه که بسر میدان آستانه سلط است، رسیده بودند پاسبانهای مسلح به تفنگ و کلاه خود در میدان صف بسته و با تفنگهایشان بسوی طلاب نشانه رفتند. این کار طلاب را بیشتر خشمگین کرده و بر شدت تظاهراتشان افزودند و مزدوران را هدف آجر قرار دادند. پلیس که از این عطش سودی نبرد از جریان تظاهرات عکسبرداری کرد که این کار

نیز طلاب را نترساند . مردم با دادن شعارهای متفرق و دست تکان دادن تظاهر کنندگان را تشویق نمودند . نیروهای ژاندارمری نیز بکمک پلیس شتافت و با دو کامیون زاندارم دیگر مزدوران را تقویت نمودند . آنگاه دشمن دست به حمله زد . مهاجمین مسلح به تفنگ و تعدادشان از ۱۲ نفر تجاوز نکرد آنها تا شب بام مسافرخانه متصل بمدرسه پیشروی نمودند اما با مقاومت دلیرانه طلاب روبرو شدند و مجبور به عقب نشینی گردیدند . هجوم و گریز مزدوران چندین بار تکرار شد و گاهی فاصله شان با طلاب به کمتر از ۲۰ متر میرسید . مهاجمین حتی دست به اسلحه هم بردند ولی هر بار زیر بارانی از سنگ و آجر محمور به عقب نشینی می شدند ، مارزین حتی یک قدم از موضعشان عقب ننشستند . حوالی ساعت ۱۲ بتدریج اعتصاب عمومی آغاز شد و مردم یکی بعد از دیگری دست از کار کشیدند . عموم طمقات و اصناف دست با اعتصاب زده بودند ، تاکسی ها متوقف و دکانها بسته شده بودند ، مانورهای پلیس بکلی بی نتیجه مانده بود و دشمن برای دستگیر کردن مارزین ممکن بود دست بهر کاری بزند . در واقع در ظهر آنروز دیگر برای کسی تردیدی باقی نمانده بود که دشمن قصد دستگیر کردن مارزین را بهر قیمتی دارد . مارزین هم چنان تصمیم بقاومت تا آخرین لحظه را داشتند و یکی از برادران طی یک سخنرانی کوتاه اعلام کرد " باید همه مان تا آخرین نفس بقاومت نائیم و بهبموجه آرام و بدون زحمت تسلیم دشمن نگردیم " . از این ساعت بعد مقاومت شکل دیگری بخود گرفت نیروهای طرفین برای آخرین برخورد آماده میشدند با آنکه تظاهرکنندگان برخلاف تبلیغات و ادعای رژیم بهیچگونه اسلحه مسلح نبودند ، اما با ایمان کامل و شجاعت بی نظیر در مقابل دشمن بس قوی و سراپا مسلح تصمیم به پایداری داشتند . آنها چندین بار بمزدوران و مردم خویش اعلام و تاکید نموده بودند که " از مرگ نهرسیم " و در عمل این ادعا را ثابت کردند . پرچم با شکوه و سرخ رنگ که تقریباً پنج متر ارتفاع داشت در بعد از ظهر آنروز باهتزاز در آمد . محل نصب پرچم روی طاق فیضیه و در محل اتصال فیضیه و دارالشفاء قرار داشت . در زیر آفتاب داغ بعد از ظهر قم تظاهرکنندگان بمارزه خستگی ناپذیرشان در اطراف پرچم ادامه دادند . پرچم بقدری ارتفاع داشت که از تمام شهر قم بخوبی قابل رؤیت بود . بنحاست برافراشته شدن پرچم تظاهرکنندگان آن لحظه بگفتن الله اکبر الله اکبر و حق بر باطل پیروز است ، پرداختند . با آنکه بعلت شعار دادن زیاد صدای اغلب متظاهرین گرفته بود تظاهرات همچنان با

شهر و هیجان ادامه داشت . شب هنگام اعلامیه هائی از آیه الله خمینی ، سازمان مجاهدین خلق و دیگر اعلامیه های ضد دولتی بر در و دیوار مدرسه نصب شده بود و شعارهای درود بر خمینی و مرگ بر شاه و مرگ بر رستاخیز ! و بر طراح رستاخیز و مرگ بر رژیم ننگین پهلوی و فیضیه سر زمین آتش و خون و . . . . . در محلهای مناسب بروی دیوارها خود نقاشی میکرد . اخباریکه از خارج مدرسه ، توسط کافذهای پیچیده شده به سنگ ، میرسید حاکی از پشتیبانی همه جانبه مردم و پخش وسیع اعلامیه در بین آنان بود . با آنکه مدرسه شدیداً تحت محاصره بود ولی از هر طریقی شده مردم مواد خوراکی بمدرسه میرساندند . طلاب روی پارچه بزرگ قمرزنگ با خط درشت نوشته بودند " ۱۵ خرداد سالروز قیام بزرگ امام خمینی را گرامی میداریم " و پارچه را روی دیوار مدرسه در جهت رودخانه نصب کرده بودند . دشمن خود را برای آخرین حمله آماده میکرد و نقشه حمله را دقیقاً طرح ریزی مینمود . گاهگاهی چند پاسبان به در مدرسه دارالشفاء نزدیک میشدند که بلا فاصله با بارانی از آجر روبرو میکردیدند . چندین بار نیز یکی از مزدوران با سپر و کلاه خود از پشت بام مسافرخانه به پشت بام مدرسه نفوذ کرده و طلاب و در و پنجره را هدف سنگ قرار میداد که با عکس العمل شدید طلاب مواجه میشد . در این اثناء یکی از طلاب مزدور مزبور را غافلگیر کرده و با زدن چند آجر بسر و صورتش برای همیشه جلوگستازی اش را میکرد . حوالی ساعت ۴ نیروهای دشمن بمقدار زیادی تقویت شده و طی درگیریهای مکرر بزرگ باتون و قنداق تفنگ مردم را از مدرسه هرچه دورتر نمودند ، مدرسه را همانند یک دو جنگی از فاصله زیاد محاصره نمودند . آنگاه یک هلی کوپتر چند بار شهر را دور زد و در ارتفاع بسیار کم روی مدرسه پرواز نمود . باید یاد آوری شود که آب و برق مدرسه را قطع کرده بودند . تمرکز نیروهای دشمن و دست زدن دشمن به دور کردن هرچه بیشتر مردم از صحنه همه حکایت از حمله قریب الوقوع دشمن مینمود . در این هنگام ناگهان کماندوهای گارد همانند ارتش که عازم جبهه جنگ باشند ، جلوی مدرسه صف کشیدند . آنها مجهز بکلاه خود ضد ضرب که سر و صورتشان را می پوشاند و لباس مخصوص و چوبهای فوق العاده بزرگ بودند ، فرمانده گارد با اشاره بمدرسه دستوراتی صادر کرد . تعداد کماندوها غیر از پلیس و سازمان امنیت و ژاندرمری به ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر میرسید . آنگاه گارد به دو دسته تقسیم شدند گروهی از جهت شرقی فیضیه و گروهی دیگر از

جهت جنوبی آن با استفاده از پشت بام مسافرخانه ها به پشت بام مدرسه نفوذ کردند و در آنجا سنگ گرفتند . قبل از حمله شخصی که گویا رئیس شهربانی بود، از بلندگوی ماشین پلیس اعلام کرد که "طلاب محترم مدرسه" فیضیه مسین دستگیر می شوند و بقیه باید داخل اتاقها بمانند و البته هیچ آسیبی نخواهند دید . کماندو های وحشی ابتدا اقدام به سنگ پرانی کردند که با مقاومت دلیرانه طلاب روبرو شدند و آنگاه که همه کماندوها و ژاندارمها به پشت بام مدرسه رسیدند بداخل مدرسه یورش بردند . در اینجا چندین نفر از طلاب را که اقدام به پایداری در پشت بامها نموده بودند بعد از یک زد و خورد کوتاه بیرحمانه از پشت بام پرتاب نمودند . در پله های مدرسه نیز با مقاومت گران، همین معامله را نمودند یعنی بعد از آنکه نیروی مقاومتشان تمام میشد با سر از پله ها پرتابشان مینمودند . در داخل مدرسه جنگ تن بتن و شدیدی در گرفته بود و طلاب جوان حتی بچه های ۱۰-۱۲ ساله تا آخرین نفس پایداری نمودند ، خشونت و درندگی کماندوها وصف ناپذیر است . مقاومت و نبرد سخت تن به تن تا نیم ساعت طول کشید و در حالیکه گروه زیادی از طلاب با سر و دست و صورت و کمر شکسته و بدنهای خون آلود و له شده نقش زمین میشدند نیروهای دشمن هر لحظه بیشتر میشدند و پاسانها و مامورین سازمان امنیت نیز بکف دیگر مزدوران شتافته بودند . . . . . بعد از اینکه مقاومت گران بکلی سرکوب شده بودند و اجساد بیجان و یا نیمه جان طلاب غرقه در خون در هر گوشه و کنار افتاده بود گروهی از کماندوها با بیرحمی توصیف ناپذیری اقدام بانداختن اجساد خون آلود طلاب در داخل حوض بزرگ و پر آب وسط مدرسه نمودند . و گروه دیگری از آنان به لگد مال و پاره کردن کتب دینی و قرآن دست زدند و بعدا به شکستن در و پنجره پرداختند . تمام در و پنجره و شیشه های مدرسه درالشفاف و فیضیه خورد شد و اموال ناچیز طلاب بفارت رفت . راستی شقاوت و وحشی صفتی مزدوران بیش از حد بود . با اینهمه یکی از کماندوها هنگامیکه اجساد خونین طلاب را برای حمل بشهربانسی بطرف ماشینها روی زمین میکشاندند، گریه میکرد و از یکی از طلاب که اندکی سر حال بود ضمن معذرت خواهی خواهنش میکرد که او را نفرین نکند، چون فکر نمکسرد نظاهرکنندگان مسلمان و آنهم طلاب باشند ! باری عطیات کشت و کشتار و ویرانگری و غارت نزدیک به یکساعت طول کشید و آنگاه اجساد بر خون طلاب را در حالیکه هنوز از بدن اکثر افراد خون جاری بود توسط ماشینهای ژاندارمری و شهربانی از



مدرسه بشهربانی حمل نمودند . در بین راه مردم که انتظار چنین عملیات وحشیانه را نداشتند با حیرت و خشم تمام به مامورین فحش میدادند . مزدوران کتیف حتی در بین راه نیز با شلاق و باتون اجساد له شده<sup>۱</sup> طلاب را به باد کتک میکوفتند از اینجهت مردم فریاد میزدند که "مزدور نزن" . زنها بشدت گریه میکردند . . . . .

در شهربانی طلاب را زیر ضربات مشت و لگد از ماشین میانداختند و مزدوران دیگر با شلاق و مشت و فحش و لگد از آنها استقبال میکردند . تمام دستگیر شدگان ابتدا در اتاق کوچکی متعلق بااطلاعات شهربانی جا داده شدند . و بعدا به زندان منتقل گردیدند . در زندان در همان لحظات اول متوجه چند نفری شدند که بحالت احتضار افتاده بودند . طلاب از مامورین خواستند که بحال آنها رسیدگی کنند . مامورین بعد از دیدن آنها از دست و پایشان گرفته و از اتاق بیرونشان بردند . دیگر هیچکس آنها را ندیدند . در قم و نه بعدها در تهران . بازجوئی آغاز شده . یکی از بازجوها با لحن آرام گفت " میدانم شما بیگناه هستید و یک مشت بیوطن فریبتان داده اند . . . شما لطفا با ما همکاری نمائید و محرکین را معرفی نمائید خودتان مرخص هستید " سپس بازجوئی همراه با شکنجه از افراد سابقه دار آغاز شد . تعداد افراد مزبور زیاد نبود و مقاومت و پختگی آنها مانع از این شد که دشمن بهدفعش برسد . سپس مزدوران عکس هائی را که از جریان تظاهرات از روی گلدسته حرم حضرت معصومه (ع) برداشته بودند با افراد تطبیق و یکعده را که در هنگام تظاهرات سهل انگاری کرده نقاب نزده بودند و همچنین یکعده از نقاب داران را شناختند و به شکنجه خانه شان فرستادند و مورد بازجوئی قرار دادند . پایداری افراد تحت شکنجه رو بهمرفقسه خوب بود گرچه بی اطلاعی و عدم آگاهی از شرایط زندان سبب شده بود که بعضی افراد تحلیل درستی از قضایا نتوانند و در نتیجه بلوفها و تهدیدهای شکنجه گران را در تمام مراحل باور نمایند . شکنجه و بازجوئی قدماتی تا اواخر شب ادامه داشت . بعلت زیادی دستگیرشدگان و کمی جا هیچکس نتوانست آتشب بخوابد و یا لااقل دراز بکشد . اواخر شب شکنجه متوقف شد و دوباره ساعت ۸ قبل از ظهر بازجوئی همراه با شکنجه و پرونده سازی آغاز شد . در بین دستگیرشدگان هیچکس دیده نمی شد که زخمی نباشد اما بعضی ها جراحت عمیق برداشته و بعلت خونریزی زیاد مرتب از حال میرفتند . مزدوران با بی تفاوتی ناظر صحنه های رقت آور بودند و هیچ اقدامی در باره پانسمان و معالجه<sup>۲</sup> افراد نمی نمودند و یا با پانسمانهای سطحی

اکتفا می کردند . تعداد آنانیکه شدیداً زخمی بوده و حالشان وخیم بود از صد نفر تجاوز میکرد . بهر حال آتش با آه و ناله مجروحین و افراد تحت شکنجه به پایان رسید و عصر ۱۸ خرداد اسیران را از قمرروانه تهران نمودند . در هر اتوبوس ۱۲ نفر زندانم و پاسبان مسلح به مسلسل و تفنگ و ۴۲ نفر اسیر جا داده شده بود . نگهبانان از هیچگونه توهین ، از قبیل فحشهای وقیحانه و ضرب و شتم و کندن ریش و انواع آزار و اذیت خود داری نکردند . در هر صندلی ۲ تا ۳ نفر قرار داشت . از قم تا تهران که شش ساعت یعنی از ساعت ۳-۹ طول کشید با وجود گرمای طاقت فرسا نه تنها با افراد تحت مراقبت آب ندادند بلکه سواره زیر ضربات باتون و قندلق تفنگ قرارشان میدادند . فقط همین یک کاروان شامل ۳۷۷ نفر بود . تعداد دقیق دستگیرشدگان معلوم نیست ولی با توجه بتعداد فوق و عده‌ای که در بیمارستانها بودند و همینطور تعداد زیادی را که شب و روز ۱۶ و ۱۷ خرداد از خیابانها دستگیر کرده بودند و همچنین موج دستگیری که تا یکماه بعد از واقعه مذکور ادامه داشت میتوان حدس زد که در ارتباط با این واقعه تقریباً ۱۰۰۰ نفر را دستگیر کردند البته تعداد زیادی هم تا مدتها در بیمارستانها بستری بودند . در این شماره پرونده یکی از رفقا ۵۶۸ بود . بدستور فرمانده در داخل شهر قم و تهران سرهای اسیران کاملاً پائین بود طوری که خارج از ماشین بجز نگهبانان کس دیگری دیده نمیشد . در تهران ماشینهای حامل زندانیان را از خیابان حافظ و پارک شهر بطرف دانشگاه تهران و دانشکده پزشکی پهلوی عبور دادند و از جلو هتل اوین بمنطقه نظامی اوین بردند . هر ماشین با دو موتور اسکورت میشد . مزدوران ترس عجیبی از جریکها دارند ، در تهران دو نفر از نگهبانان از جریکها و عملیاتشان با ترس و دلهره صحبت میکردند . آنها میگفتند که شبها تمام افراد کلانتریهای تهران در خارج از کلانتری به پاسداری میباززند و خود کلانتریها توسط ۳ نفر از گاردها که میگفتند آنان تازه نفس و با روحیه اند محافظت میشوند . در شب اول اسیران را از ساعت ۹ تا ۵ ، بعد از نصف شب با روروی موزائیکها و سنگریزه های صحن زندان خواباندند . یکی از رفقا که به بدرفتاریهای آنان اعتراض کرد و گفت که " ما برادران مسلمان شمائیم چرا با ما اینطور رفتار مینمائید " زیر ضربات شلاق خاموش شد . از ساعت ۳ شب بتدریج ترتیب انتقال دادن اسیران را باناق های زندان دادند . در هر اتاق ۲۵ تا ۳۲ نفر را جا داده بودند برای هر ۵ نفر

يك جام كوچك و يك قاشق داده بودند كه هم غذا و هم چای و آب را با آن میخوردند. در عصر روز اول بازجوییهای مقدماتی آغاز شد و آنگاه به سئوالاتی راجع بسكونت و نقش فرد در تظاهرات و دیگر تظاهرکنندگان و عوامل مخفی! و دوستان باید پاسخ میدادند البته نوشتن سئوال و جواب بعهده خود فرد تحت بازجویی بود. بدین ترتیب تا نیمه های شب بازجویی ادامه داشت. صدای ضجه و ناله بی هم شنیده میشد که بعلمت یکنواخت بودنش فکر میکنم نوار بود و برای تضعیف روحیه افراد گذاشته میشد. در اوین نیز بیش از حد به اسیران بد رفتاری میشد، موضوعی که بیش از همه مزدوران را عصبانی کرده بر افراشتن پرچم از جانب طلاب بود. بازجویی اصلی و اساسی از عصر روز دوم شروع شد بدینسان که ۲۵ تا ۳۰ نفر را با چشمان بسته بعد از عبور دادن از راههای پرپیچ و خم وارد راهروئی میکردند که ۵-۶ اتاق شکنجه در آن قرار داشت. در انتهای راهروی باریک و تاریک اتاق بازجویی قرار داشت. در اتاق چهار نفر بازجو از چهار نفر بازجویی میکردند و بمجرد اینکه فرد مورد بازجویی بسئوالات دلخواهشان جواب نمیداد باصطلاح خودشان "بداخل" روانه اش میکردند. بقیه را با سرهای پائین رو بدیوار می نشاندند گاهی يك نفر تا ۸ ساعت در اتاق بازجویی بانتظار می نشست. صدای افراد تحت شکنجه و فحش های بازجویان بشدت اعصاب فرد منتظر را خورد میکرد و شکنجه روحی شدیدی می شد. صدای ضجه و ناله یا امام زمان یا اللسه و . . . . بگوش میآمد. البته بودند کسانی که حتی ناله کوچکی هم نمیکردند. موضوعاتی که بازجوها بیشتر رویشان تکیه میکردند اعتراف فرد تحت بازجویی بشرکت در تظاهرات و نقش آنها و شرکت کسانی دیگر و نقش آنها و شناخت افراد دیگری که در تظاهرات نقش رهبری و یا نقش موثر داشتند، ارتباط با خارج و اینکه چقدر پول از خارج میگيريد بود. شکنجه و بازجویی بدین ضوال ادامه داشت البته از روزهای پنجم ببعده بر شدت شکنجه افزودند و آلات شکنجه نیز تعویض شد، شلاق کمتر میزدند و توسط آلات الکتریکی از قبیل طوق و دستبند شکنجه میکردند. گاهی فردی را در جلو انظار دیگران کاملاً لغت میکردند و شلاق میزدند. تراشیدن ریش و کندن آن و جلوگیری از اقامه نماز دیگر انواع شکنجه را تشکیل میداد. با آنکه ۹۰٪ دستگیرشدگان را افراد زیر ۲۵ سال تشکیل میدادند و آگاهی خیلی ها از زندان و شرایطش خیلی کم بود، مقاومت جانانه نمودند و همواره روحیه عالی داشتند. در میان اسیران افراد زیر ۱۸ سال زیاده

بودند و یک دانشجو و ۲ کارگر نیز در جمع آنها بود. چهار نفر طلبه پاکستانی و ۲ نفر افغانی نیز از فیضیه زخمی و دستگیر شده بودند که بعد از شکنجه و بازجویی اخراج شدند. استقامت دستگیرشدگان در زیر شکنجه چنان زیاد بود که شکنجه گران را بخشم و حیرت واداشته بود. تا جایی که بچه ۱۲ و یا ۱۳ ساله ای را شکنجه بسیار کرده و از او خواسته بودند که بساحت امام خمینی اهانت کند. او از این کار امتناع کرده و پسر از شکنجه فراوان بظاهر قبول نمود. ولی وقتی همه را جمع کردند که در جلو آنها اهانت کند، او فریاد زد خمینی فرزند پیامبر است او فرزند علی، حسین و موسی ابن جعفر است. من چگونه باجسارت کنم!! در این لحظه تمام زندانیها شروع بگریه کردند بطوریکه خود شکنجه گر نیز سخت تحت تاثیر ظاهری قرار گرفته و داد زد که آخر من با یک چنین بچه ای چه کنم؟! جوان دیگری که تکلیسین بوده و ترکمن، در خارج از مدرسه دستگیر شده و تحت شکنجه قرار گرفته بود. او را طوری شکنجه داده بودند که حتی برای دوستانش قابل شناخت نبود و تمام بدن او تکه و گداخته بود و باز فریاد میزد که نمیتوانم در میان یک مشت درنده و دزخیم وحشی صحبت کنم من در بازجویی با جانین و آدمکشان صحبت نمیکنم.

بسیاری از شکنجه شدگان قول داده بودند که بمنظور تضعیف روحیه سایرین جلسوی دیگران چیزی بگویند ولی وقتی آنها را میآوردند داد میزدند که بخدا ما تا کنون اینهمه جنایت را نمیدانستیم و الا زودتر شروع میکردیم!!!

شکنجه و بازجویی عموم رویه گرفته ۱۲ روز بطول انجامید و بعد از مدت مذبور عده ای را که بنظرشان هیچکاره میآمنمو تقریباً ۱۵۰ نفر را تشکیل میدادند آزاد و عده ای را هم به زندانهای دیگر منتقل کردند. یکسانیکه آزاد شده بودند گفته بودند که از اوضاع زندان اوین و شکنجه گاه کمیته صحبتی نکنید و بلکه بگوئید جای خوبی است، رفتارها انسانی است، غذای خوب و فصل میدهند و آسایش کامل برقرار است! و مخصوصاً با آقایان طلاب و علماء اعلام کوچکترین اهانتی نشده است! تنها بعضی از بچه های ناسلمان که در لابلای آنها بوده اند بعنوان تار و پود تیب تشبیه شده اند! افراد زیادی نیز هنوز تحت شکنجه قرار داشتند، زخمیها را بحال خودشان رها کرده بودند و زخمهایشان جرك گرفته و متعفن شده بود. زندانیهای انفرادی از یک راهروی کوچک و کم عرض با ۸ اطاق  $۲ \times ۱.۵$  تاریک تشکیل میشدند. در هر سلول

سه نفر را جا راده بودند، تعداد زیادی زن نیز در همین زندانها بسر میبردند .  
محکومینها بسیار طولانی و غیر قابل تصور بود و هیچگاه سابقه ندارد که محکومیت  
شرکت در تظاهرات چنین طولانی باشد، بطوریکه حداقل ۴ سال و حتی به ۱۵ سال  
نیز میرسید. اسامی برخی از محکومین و مدت محکومیت آنها بقرار زیر است :  
ابراهیم باقری نجف آبادی ۴ سال ، آشیخ عباس قانع پور همایون شهری ۴ سال ،  
شیخ قدرت الله علیخانی ۵ سال ، شکری ۶ سال ، محمد حسین نیا ۶ سال ، فاضل  
زاده ۶ سال ، قریشی ( برادر آقا کاظم قریشی شهید ) ۱۰ سال ، علوی اصفهانی  
۸ سال و محدث ۱۵ سال .

محکومین به زندان در حدود ۱۰۰ نفر میباشند که از مدت محکومیت همه آنها اطلاعی در  
دست نیست . بعضی کسانی که به سربازی اعزام شده اند فرار کرده و تحت تعقیب هستند .  
و نیز کسانی که توانسته بودند در تظاهرات فیضیه بنحوی از جنگال پلیس فرار کنند ،  
شدیدا تحت تعقیب و پیگردی پلیس قرار دارند و حتی برای دستگیری آنها جایزه  
تعیین شده است .

تعداد دقیق شهدا معلوم نیست چه هیچکس نمیداند از افراد مفقود الاثر چه کسی  
زنده و در زندان است و چه کسی شهید شده . مدرسه هنوز تحت اشغال است .  
مجالس یاد بودی نیز در اغلب شهرهای ایران برای شهدا گرفته شده بود که همگی  
با حمله پلیس مواجه شده و تعداد زیادی نیز از اصفهان و آباءه و تهران و مشهد  
دستگیر شدند .

با آنکه کوشش شده تمام زوایا و گوشه های قضیه در اینجا منعکس شود ولی بدون  
تردید بازهم خیلی چیزها از چشم ما پنهان مانده است .



عکس العمل رژیم در برابر تظاهرات پرشکوه خلق :

۱۵ خرداد ۴۲ در اوج شکوفائی و عظمت خویش در بستر زمان جاری شد و بحسب نقطه تحولی در تاریخ مبارزات توده های رنج دیده ما بود . از همان زمان بود که فرزندان عزیز خلق یعنی پیشگامان نبرد سلحمانه ایران بضرورت جهاد خویش و نقش گلوله در پیشبرد تاریخ ملتها پی بردند و بدنبال آن، تکاملی در امر مبارزه ملی صورت گرفت . دستگاه فاشیستی و ضد مردمی شاه که پیوسته میکوشید حادثه خونین ۱۵ خرداد را در افکار مردم میهن ما وارونه جلوه دهد، از بیاد آوردن آن روز و آن حادثه که در حقیقت لکه ننگی بود بر دودمان کیف پهلوی، پیوسته وحشت داشت بهین سبب بدنبال شعارهای انقلابی دانشگاههای ایران در روز ۱۵ خرداد ۴۲ و همچنین پس از اطلاع از تظاهرات پرشور طلاب و محصلین حوزه علمیه قم که در شب ۱۶ و ۱۷ خرداد ماه صورت گرفت، شاه بیوطن، این مرتجع مزدور، صبح روز ۱۷ خرداد در حالیکه از خشم و عصبانیت میلرزید، در یک سخنرانی گفت " باز همان عناصر بیوطن سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند ( گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد ) " شاه میکوشد تا انقلابیون مسلح خلق را بیوطن سرخ و روحانیت مرفقی و بیدار شیعه را مرتجع سیاه بنامد ولی غافلست که توده های ما فریب این دغلکاریها و نقشه های اهریمنی را نخواهند خورد .

روزنامه های خود فروخته دربار نیز به نشر تهمتها و دروغهایی در این زمینه دست زدند و حتی مراجع و روحانیون بزرگ جمارت کرده و آنان را با خود موافق قلمداد کردند که مراجع هم با مشت محکم بد هانشان کوبیده و دروغهایشان را برملا ساخته و مندرجات روزنامه ها را تکذیب و تا سف و تا اثر عمیق خود را از این سرکوبی و عشیان شاه و عمالش و هم از دستگیری طلاب و محصلین محترم ابراز فرمودند . روزنامه کیهان مورخ ۲۸ خرداد ماه با اصطلاح خود " اطلاعات تازه ای از نقابداران شورشی قم " فاش ساخت و عکسهائی از تظاهرات پرشور دانشجویان حوزه علمیه قم را که ماسک زده و تغییر قیافه داده بودند منتشر ساخت و بدون اینکه ناهی از ۱۵ خرداد و انگیزه اصلی تظاهرکنندگان بمیان آورد ایشان را متهم ساخت که شعارهای کونیستی میداده اند و بمنظر مخالفت با حزب رستاخیز دست بایستن تظاهرات زده اند . روزنامه کیهان نوشت که :

" . . . . دستگیرشدگان شورش قم اعتراف کرده اند که نشریات مربوط به گروه‌های تروریست خارجی را بین محصلین حوزه علمیه قم توزیع می‌کرده اند و برای مارکسیستهای اسلامی تبلیغ می‌کرده اند . آنها مخالف اصول بنیادی حزب رستاخیز ملت ایران هستند . افراد دستگیر شده در روزهای ۱۵ و ۱۷ خرداد ماه در جمع طلاب مدرسه فیضیه و دارالشفاء قم به کسوت روحانی درآمده و بمنظور ایجاد تحریکات ، بادرت بدادن شعارهای ضد ملی و میهنی نموده و در مدارس علمیه قم ایجاد لغتشاش و بینظمی نمودند . افراد مزبور که ماسک به چهره زده بودند ، ابتدا بادرت به شکستن در و پنجره مدارس نموده و هنگامیکه مأموران انتظامی در صدر متفرق کردن آنان برآمدند در خیابانهای قم با چوب و چماق و سنگ به مأموران حمله کردند . آنها شعارهای کمونیستی میدادند و پرچم قرمز در دست داشتند . . . . "

رژیم خانی شاه ، از انواع حيله های خود استفاده کرده است تا از رشد و گسترش مبارزه سلحانه خلق ما ، جلوگیری کند و بهمین منظور سعی کرده است که پایگاه توده ای پیشتازان مبارزه سلحانه را خراب سازد . اتهام مارکسیسم اسلامی بسه پاکترین فرزندان خلق ما یعنی " مجاهدین خلق " بهمین منظور است تا از ایمن راه رابطه ، ناگستنی ایشان را با خلق سلطان ایران که با داشتن ایدئولوژی اسلامی نیاز و سرکاری با مرام کمونیسم ندارد ، قطع کند و شکاف عمیق بین توده و پیشتازان خود بوجود آورد . ولی خلق ما فرزندان پاک خود را خوب میشناسد و به یاره گوئی های رژیم واقعی نمیگردد .

اینبار اتهام مارکسیسم اسلامی به طلاب حوزه علمیه قم و اینکه ایشان شعارهای کمونیستی میداده اند و کتب کمونیستی در اختیار داشته اند و مارکسیسم اسلامی را تبلیغ می‌کرده اند ، تهی بود که با يك من سریشم هم نمی چسبید و این اتهام باعث رسوائی خود رژیم گردید . رژیم با این اتهامات سعی کرد که تظاهرکنندگان را دسته ای اشرار معرفی کرده آنها را جدا از روحانیون و مراجع قلمداد کند و باصطلاح ، ساحت مراجع را از اینگونه تظاهرات و مخالفتها برقی جلوه دهد ! !

مراجع و علمای بزرگ و در پیشانی ایشان حضرت آیه الله خنمی مرجع عالیقدر در برابر این جنایات رژیم و اتهامات ناروای او ساکت ننشسته و با دابن اعلامه پیشستیانی خود را از مبارزات بر حق ملت ایران و طلاب حوزه علمیه قم و کسانی که در تظاهرات شرکت کرده اند اعلام داشته و از روی جنایات رژیم پرده برداشته . در زیر شمشیرخی از این اعلامه هارامیآوریم ،



## پیام قائد بزرگ اسلام ، مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیه الله العظمی خمینی

حضرت آیه الله خمینی از عراق با انتشار پیام مشهور خود نشان پشتیبانی خود را از همه مبارزین و بخصوص شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۷ خرداد اعلام داشتند . این پیام در سطح وسیعی در ایران و خارج از کشور پخش شد و ما اینکه عن این پیام را در اینجا میآوریم .

بسم الله الرحمن الرحیم  
خدمت عموم ملت شجاع و مظلوم ایران  
ایدهم الله تعالی

اخبار واسه از ایران ، بدنبال شکست و کارمند جزء ، باید معتقد به عقیده شاه مقتصحانۀ شامخ حزب بلای جدید ، با باشند ، گرچه برخلاف اسلام و مصالح مسلمین آنکه موجب کمال تأسف و تأثر است مایه امید و طلوعه فرخشان آزادی است . تأسف از آنکه در عصری که ملتها یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج میشوند و استقلال و آزادی خود را بدست میآورند ، ملت پرگ مسلم ایران ، با گهاشته شدن یکی از برجستترین افراد ویکی از عمال بی چون و چرای استعمار و سایه افکندن وحشتناکترین استبداد وحشیانه بر سراسر کشور ، از قام شوون آزادی محروم ، و با جمیع مظالم استبداد و اورنجاع دست بگریبان هستند . سازمان امنیت ایران ، بد ستور شاه بصورت اداره ققتیش عقائد قرون وسطائی درآمده و با مخالفان حزب تحمیلی شاه که اکثریت قاطع ملت متدین است با انواع عهدیممار اهانتها و ضربها و شکنجه های وحشیانه رفتار میکنند .

ملت ایران از علمای دین تا دانشگانی ، و از بلزاری تا ذارع ، و از کارگرتا اداری و

سرنوشت آنها ضریبا و حبسها و شکنجه ها و محرومیتها از حقوق انسانی است و متخلفین ، مرتجع سیاه و بیوطن سرخند و باید سرکوب شوند . تأسف ، از سرکوب کردن ملت مظلوم و مجوم بدانستگا های سراسر کشور ، تأسف ، از واقعه جانسوز ۱۷ خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه و دار الشفا که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد ، و پرورش بی رحانه و مسلحانه عمال استعمار بر مدارس دینی که جز باطم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کرمج و احکام سارنده اسلام سرو - کلوی ندادارند و شکستن سرود ستها و در و پنجره هاو کوبیدن تا سرحد مرگ و پرتاب کردن جوانان بی پناه از پشت بامها ، محرم اظهار عقیده بر خلاف حزب شایمی ، محرم سوگواری برای مقتولین ۱۵ خرداد ، که بحسب نقل بعض از مطبوعات خارجی ، عدد

مقتولین ( در ۱۷ خرداد امسال ) به چهل و پنج نفر رسیده و عدد مجروحین بسیار است ، که در بیمارستانها پذیرفته نشده اند و بیش از سیصد نفر در زندانها بسر میبرند که سررشت آنها معلوم نیست . این است وضع کشور مرقی !! این است معیار دموکراسی شاه !! این است حال مملکت آزاد مردان و آزاد زنان ! . تأسف ، از وضع مطبوعات ایران ، که مستقیماً زیر نظر « سازمان امنیت » اداره میشوند و هر چه دیکته کنند میگویند و هر تمعی خواستند بر مقامی میزنند .

ولن با همه مصیبتها بیداری ملت مایه امید است . مخالفت دانشگاههای سرشتر ایران - بر حسب اعتراف شاه - و مخالفت علای اعلام و طبقه محصلین و طبقات مختلف ملت ، بامه فشارها و قلد رجا ، طلحه بدمت آوردن آزادی ورهائی از قید استعمار است . شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتصابات خانانانه ، نمونه بیداری و پیروزی است .

اینهاست به ملت بزرگ و عزیز ایران ، پس از تسلیت در این مصیبتهای دلخراش و تسلیت در اهانت به قرآن کریم و حریم اهل بیت طهارت علیهم السلام و تسلیت در واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و ۱۷ خرداد ۵۴ ، تشریک میگویم بر این روشنفکری و آزاد - منشی ، تشریک میگویم بر طلوع صبح آزادی و قطع ریشه استعمار و حال غیبت آن .

سلام من بر مقتولین و مصدومین ۱۵ خرداد . سلام من بر مصدومین و مظلومین ۱۷ خرداد .

سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب قمیعی و انتصابات غیر قانونی مشت حکم بر دهان پلوه سرایان زدند و وفاداری خود را به اسلام و مسلمین ثابت کردند .

سلام من بر زندانیانی که در راه هدف مقدس اسلام در زیر شکنجه بسر میبرند . سلام من بر جوانان و دانشجویان غیر محمد ایرانی خارج کشور که با کوشش ارزنده خود به اسلام و برادران مسلم خود خدمت میکنند و فجاجع استعمار و حال آزا بر ملا میکنند .

من در این لحظه های آخر عمر نگرانیهای فراوان دارم . خوف از آن دارم که این شخص که به هر حیل ای متشبث شد ، مواجه با مخالفت ملت و طبقه جوان شد ، بیش از این مبتلای به تشنج اعصاب شود و ملت مظلوم را بیش از این به خاک و خون کشد و با همت مرتجع سپاه و بیوطن سرخ ، علای اسلام و دانشمندان و روشنفکران را قتل عام کند . به خدا وند متعال از شر عناصر خبیثه پناه میبرم و قطع ایادی اجانب را مستلست میبایم .

والسلام علیکم ورحمة الله

۱ شهر رجب ۱۳۹۵

روح الله الموسوی القمینی

## اعلامیه سایر علمای قم :

### بسمه تعالی

حادثه موله و گرفتاری طلاب مدرسه فیضیه و دارالشفاء موجب کمال تأسف و تأثر است روحانیت شیعه و حوزه علمیه قم با مرام کونیستی و مادیگری بهیچوجه و قسمی امکان سازش ندارد و طلاب بازداشت شده از مدرسه فیضیه و دارالشفاء هیچکدام وارد این مرام نیستند و آنچه در جرائد نوشته شده است صحیح نیست و تکذیب مینسود .

از خداوند متعال مسئلت مینمایم آقایان طلابیکه گرفتار شده اند بزودی مستخلص شوند .

۳ جمادی الثانیه ۱۳۹۵

سید کاظم شریعتمداری

### بسمه تعالی و الیه المشتکی

حضرت آیه الله میلانی دامت برکاته ، با یکدنیا ناثر و ناراحتی بعرض مبارک می رساند در چند روز قبل عده ای از طلاب و محصلین جوان و متدین در مدرسه فیضیه و دارالشفاء ببهانه آنکه دو شب قبل از آن مجلس ختمی حسب معمول برای شهدا گرفته بودند ، مورد حمله مسلحانه ناجوانمردانه کمانده های دولتی اعزام شده از تهران قرار میگیرند و در حدود یکساعت آنها را مورد ضربات شدید قرار میدهند که تا حال نهدنم چند نفر مرده اند و چند نفر جراحات خطرناک دارند چون نتوانستیم از نزدیک شاهد اوضاع باشیم و در تمام این مدت انجمن ما غیر از " الله اکبر " و " ان تنصروا لله ینصرکم " و دعوت یکدیگر باستقامت و مواسات ، چیزی نقل نشده و پس از آن آنها را بشهرستانی برده اند و در مسیر راه هم آنها را کتک میزدند و پس از ۲۴ ساعت آنها را با وضع دلخراشی منتقل بتهران نموده اند و از همانوقت تا حال هر دو مدرسه با ائاثیه طلاب در تحت اختیار دولتی هاست و بعد از آن روزنامه ها آنچه ممکن بوده است نسبتهای دروغ و بی اساس و ناروا بآنها داده و وثاقت را بجائی رسانده اند که راستی روی تاریخ را سیاه و موجب خشم و نفرت عمومی قرار گرفته اند بهرحال خواسته های خود را بعرض میرسانند و تقاضا میشود با صادر امر تماس گرفته و انجام فوری آنها را بخواهید .

- ۱- رسیدگی فوری به وضع طلاب زندانی و مداوای آنان و بالاخره آزادی از زندان .
  - ۲- عدم تعرض دولتیها بطلاب چون مرتب ایجاد ناراحتی برای آنها مینمایند .
  - ۳- پس دادن اثاثیه .
  - ۴- تحویل دادن فیضیه و دارالشفاء بزعمای حوزه بدون قید و شرط .
  - ۵- توییح روزنامه نویسها و جلوگیری از اهانت بیشتر بمقدسات دینی .
  - ۶- رسیدگی جدی در اصل قضیه و مجازات مامورینی که مرتکب خلاف شده اند .
- در خانه منتظر اقدام فوری و اعلام نتیجه میباشم . والسلام علیکم ورحمته الله وبرکاته .

۳ جمادی الثانیه ۱۳۹۵

محمد صادق الحسینی الروحانی

#### بسمه تعالی

حضرت آیه الله آقای آشتیانی دامت برکاته

بعرض محترم عالی میرساند : از ساحت قدس ربوبی دوام توفیق و تائیدات سرکار را مسئلت مینمایم .

غرض از تصدیح چنانچه خاطر شریف مستحضر شده حادثه ناگوار حمله ناجوانمردانه بمدرسه فیضیه که منجر بخراسارات زیاد و ضرب و شتم و هتک و دستگیری جماعتی از طلاب و محصلین محترم علوم دینییه گردید موجب تأثر و تأسف عمیق داعی و کلبه اهل علم حوزه مقدسه علمیه قم و سایر طبقات مومنین و جریحه دار شدن قلوب شده چنانچه این مطلب را در نوشته سابق متذکر شدم . و مزید بر علت ، فطریات و آکادمی واضحه بعضی از جرایم در مورد دستگیرشدگان میباشند . جای بسی تأسف است که این اسنادهای ناروا از حیث افعال و مرام بطلاب علوم دینییه که از سربازان مذهب و ولی عصر (ع) میباشند داده شود . لذا صدع شده امید است در ترمیم ایمن خصوص و استخلاص محبوسین بیگناه معجزا اقدام فرموده تا رفع نگرانی عموم خاصه روحانیون بشود .

بدیهی است نتیجه را هرچه زودتر اعلام خواهید فرمود . در خانه مستدعی دعا بجهدت رفع این گرفتاریها میباشم . والسلام خیر ختام .

۳ جمادی الثانیه ۱۳۹۵ شهاب الدین الحسینی المرعشی النحقی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت مستطاب آية الله آقای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته

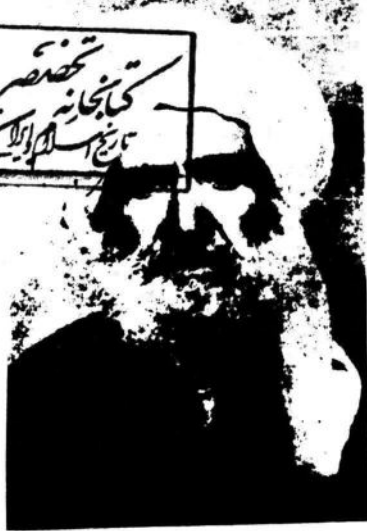
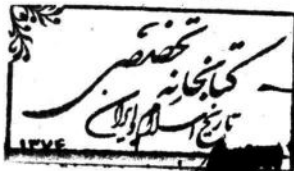
با ابلاغ سلام و استفسار از سلامت وجود محترم ، بطوریکه استحضار دارید ، چند روز پیش عده ای از مامورین بمدرسه فیضیه و دارالشفاء حمله کردند و درب و پنجره ها را شکستند و جمعی از طلاب و محصلین علوم دینی را ضروب و مجروح و بازداشت نمودند . این فاجعه ناگوار موجب تاثر عمیق حقیر و جامعه روحانیت گردید . تهمت های ناروایی که در مطبوعات نسبت به روحانیت درج شده ، تکذیب میشود و ساحت مقدس روحانیت شیعه از تائید مرام کمونیسم منزه و مبرا است . مستدعی است بهر نحو ، مقتضی میدانید ، عاجلاً برای رفع منع از مدرسه فیضیه و دارالشفاء و آزادی طلاب و زندانیان بیگناه اقدام فرمائید تا رفع نگرانی شود و تذکر دهید ، جرائد را از توهین بمقدسات اسلامی بازدارند و بیش از این موجبات نگرانی مسلمانان را فراهم ننمایند . سلامت و دوام تائیدات وجود مبارک را از خداوند تعالی مسئلت دارم .

محمد رضا الموسی الکلیایکانسی

۱ جمادی الثانیه ۱۳۹۵

# حجة الاسلام کروی

وحوادث خونین ۱۷ خرداد



مقامات امنیتی رژیم شاه که نمی توانستند مراسم سالگرد با شکوه قیام خونین ۱۷ خرداد ۴۱ و جنایات جدید خود را در ۱۷ خرداد، حمله بمدرسه فیضیه و قتل—کشته بسیاری از مردم را از خلق ما پنهان نگهدارند به روزنامه های منتشره از طرف سازمانهای امنیتی کشور دستور دادند تا ضمن انتشار خبر مزبور، به جعل اخبار و اتهامات بپردازند و بار دیگر اعلام کردند که این حوادث گویا به تحریک "مارکسیست های اسلامی" بوده است. نهضت آزادی ایران بارها در گذشته ( پیام مجاهد شماره ۱۳) با ارائه اسناد و مدارک نشان داده است که چرا رژیم از قبول و اعتراف وجود فرزندان مبارز و مجاهد خلق که بر اساس جهان بینی توحیدی علیه ستمهای استبداد و استعمار قیام کرده اند وحشت دارد و از این اتهامات چه بهره برداری هایی را انتشار دارد.

در اخبار تظاهرات ۱۵ تا ۱۷ خرداد اسامی مقامات امنیتی ایران از نقش شیخ احمد کروی در حوادث قم یاد کرده و او را بعنوان سررشته و محرک آشوبگران !!

نام برده اند\* در رابطه با این اتهام رژیم، ضروری است که حجت الاسلام کرویسی را بشناسیم و از خدمات و مبارزات وی آگاه شویم.

حجت الاسلام کرویسی که نزدیک به ۸۲ سال دارند از روحانیون با نفوذ و ائمه جماعت الیگودرز میباشند که بین اهالی لرستان محبوبیتی فوق العاده دارند و بهمین دلیل هیچگاه رژیم نتوانسته است در محل اقامت وی او را مورد اهانت و بازداشت قرار دهد. وی همواره پشتیبان مبارزات خلق ایران بوده و بارها در مناظر و پس از نماز جماعت بیانییه های مجاهدین و مدافعات ایشان را برای مردم خوانده است. او هر بار که قصد خروج از الیگودرز را میداشت در بین راه بازداشت (حتی یکمرتبه مسموم) و زندانی میشد. ولی با وجود سن زیاد هیچگاه در مقابل جنایات رژیم و فشار پلیس سکوت نکرده و بمبارزه خود ادامه میداد.

حجت الاسلام کرویسی تمام اموال و تازائی خود را بدون هیچ منت و ملاحظه ای به فقرای لرستان بخشیده بود و در تقسیم وجوهات اسلامی بین نیازمندان محلسی و مبارزین و در عین حال کمک به شهریه ای که از طرف آیه الله خمینی در قم بین طلاب توزیع میشد، زیانزد همه است. جالب است که روزی مسئول پاسگاه ژاندرمری الیگودرز با احترام از وی پرسیده بود که نظرتان در باره اصلاحات ارضی چیست وی گفته بود که: "من سالها قبل از اینکه صحبت از اصلاحات ارضی باشد املاکم را و حتی خانه شخصی ام را، واقعا نه در ادعا، بین نیازمندان تقسیم کردم و حتی بعداً سهم خود را هم بفقرا بخشیدم".

فرزند برونند او یعنی شیخ مهدی کرویسی که در روزنامه های رژیم بعنوان یکی از عناصر مارکسیست اسلامی نامبرده شده است، نمونه فدآکاری و جسارت در بین طلاب و فضلاء همردیف خود میباشند و ماههاست بجرم ارتباط و خدمت به مجاهدین بازداشت است. وی فارغ التحصیل دانشکده الهیات دانشگاه تهران میباشند و در دادگاه نظامی شاه به پنج سال زندان محکوم شده است.

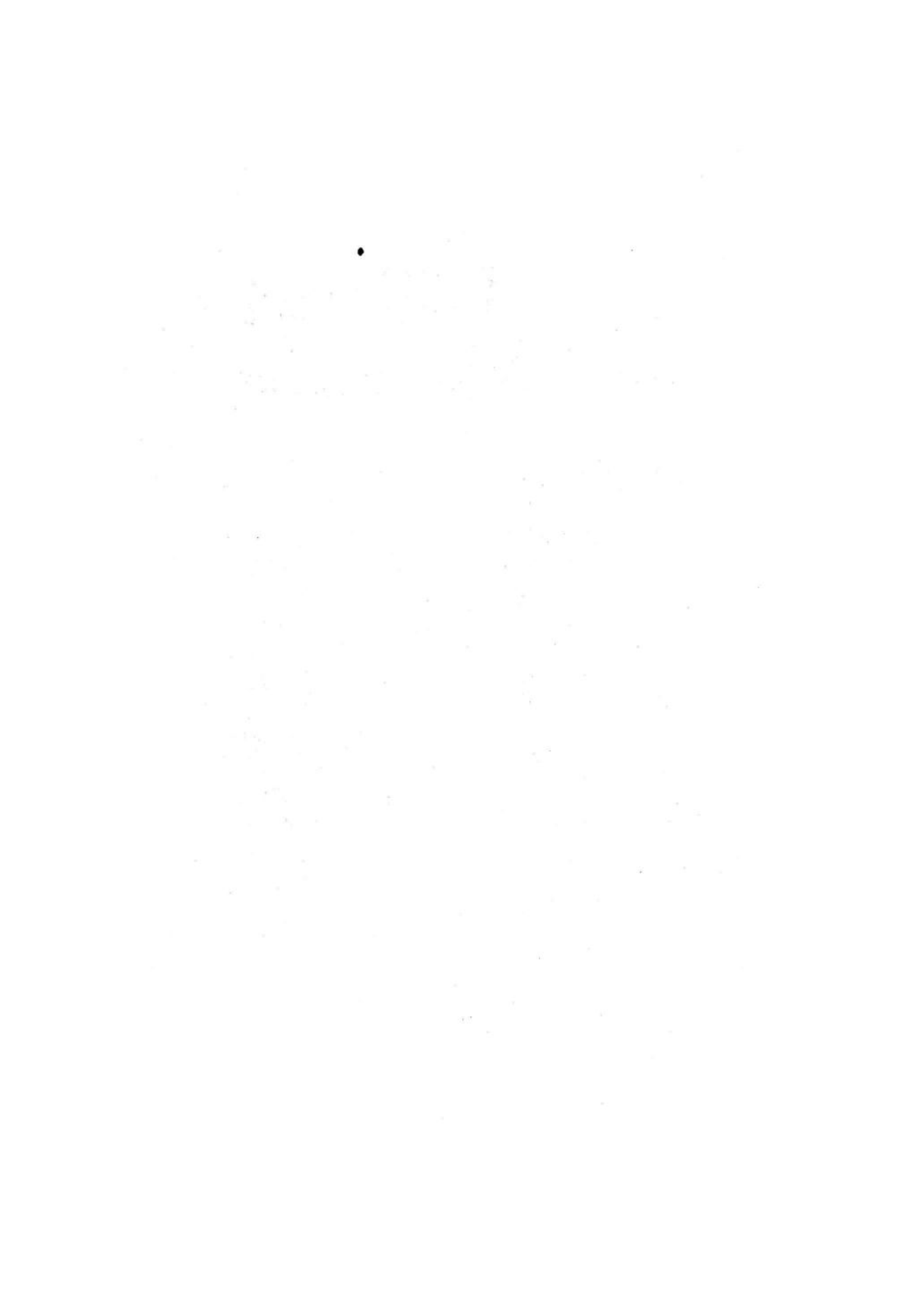
حجة الاسلام کرویسی پس از آزادی از زندان و بازگشت به الیگودرز، به روشنگری خود ادامه داد و سرانجام از الیگودرز به دماوند تبعید شد.

درد بفرزندان مبارز و مجاهدین خلق  
سلام بر روحانیت مبارز و متعهد  
پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی خلق مسلمان ایران

ضمیمہ

"اخبار دولتی"





# اخلاقگران در قم دست به اغتشاش زدند

### اخلاقگران ماسک بصورت زده ، شعار کمونیستی میدادند و پرچم سرخ برافراشته بودند و با چوب و چماق به ماموران انتظامی حمله پردند

روزهای ۱۵ و ۱۷ خرداد ماه جاری امرای در جمع طلاب مدرسه فیضیه و دارالافتای قم ، با کسوت بظاهر روحانی ، بمنظور ایجاد تخریقات ، مبادرت به دادن شعار های ضد ملی و میهنی کردند و بآباد آوری یکی از ننگ آورانترین حوادثی که در سال ۱۳۴۲ هـ همراه با یکسلسله اقدامات آتارشیستی و خرابکاری از جانب مرتجعین سناه در کشور ما رومداد ، کوشش کردند دامنه این اغتشاشات را در مدارس مزبور توسعه دهند و به سایر مراکز حوزه علمیه پیکشاند .

افراد مزبور کعبه شیوه عوامل ارتجاعی سرخ و سیاه و بظاهر ایرانی در خارج از کشور ، ماسک بمجهزه زده بودند . ابتدا مبادرت به شکستن در و پنجره مدارس نموده و محاسراتی به وسائل مورد استفاده طلاب علم دینی در این مدارس وارد کردند . پس از خروج از مدرسه هتاهی که مأمورین انتظامی در صدد متفرق شدن آنان و برقرار نمودن جلوگیری ارتوسعه این اخلاقگری

ها در خیابانها بودند . با چوب و چماق و سنگ به مامورین حملهور گردیدند . در جمع مذکور چند نفر نیز شعار های کمونیستی داده و حتی پرچم قرمز برافراشته بودند .

اسگونه او باشگرها و تخریقات مذبحخانه که همواره با مخالفت هرفرد مین هرست ابرای روبرو است در جامعه روحانیت و در بین مراجع تقلد نیز بیاتاسف صیق مواحه شد .

طبق اعلام مقامات انتظامی کلیه افراد مهرک و اخلاقگر در این حوادث شناخته و بسازداشت شده اند و بزودی پرونده نهایی آنان جهت رسدگی قانونی به مراجع قضائی ذصلاح احواله خواهد شد .

در بازرسی از حجره ها و مدارع سکونت افراد بازداشت شده در مدرسه فیضیه و دارالافتاء یکصد و بیست و سه نفر معادری بود متفرجه ، همچنین معادری استاد و مدارکو و یکصد و بیست و یک نفر و بیست و سه نفر کتف و بیست و سه نفر کوشش ماحراجیه بان های

نمود بمحافل مذهبی ، و ایجاد اغتشاش و شتمت در عالم روحانیت ، براسستی خشم - برانگیز است . برای ایرانی مسلمان و مسندبه حفظ حرمت محصل روحانیت ، تحمل این کمشتی از خدا بیخبر و ماده پرست برای پشرفت مضامد غیر انسانی خود مکتبه های کمونیستی و هر چه فریزه را بمحط مقدسی چون قم ببرد ، تحمل ناپذیر است . خاصه که ایرانی همداند ، اینان همان کسانی که روزگاری با همه روحانیت که با افکار مادرستی ایشان مخالفست مورد زدن ، سخت دشمن بودند .

اینان که در شهر مقدس قم قصد راه انداختن آشوب داشتند چکسانی هستند ؟ هر کمونیستها و روشنفکر نمایان دیروز و آتارشمنهای امروز - آنها بارها و بارها چه ره عوض کردند و هر بار امید داشتند که این دفعه همانشان رنگی خواهد داشت ، و معنا که عایع شکستهای بیدری ، از روزی بمانند و همچنان غرق در اندیشه های خام حدود هستند . همان غرق که اینبار کمونیسم را به محط مقدس مذهب میبندد و میداند که اینکشان خشم ایرانی مسلمان را باوج میرساند .

اطلاعات ۲ شنبه ۲۷ خرداد ۲۰۴۲

# امروز از طرف مقامات انتظامی وامنیتی اسرار بلوای قم فاش شد

\* عوامل ارتجاع سرخ و سیاه دوام باهم اتحاد بستند .  
\* اخلاکگران میخواهند مانع مشارکت مردم در انتخابات شوند .  
\* آشوبگران اعتراف کردند که معتقد به اصول انقلاب نیستند و به سه اصل رستاخیز ایمان ندارند .  
\* يك روحانی نما که پسرش از عوامل مارکسیست اسلامی است ، طلاب و اتحریک به ایجاد بلوا کرد .  
\* آشوبگران محصلین حوزه های علمیه قم را به مبارزه مسلحانه دعوت می کردند .

حوادث و اصلاحات شهر .

جمعه از زایدی سرگروه سر کسوتی در مدارس جدیدی مصعب و دارالاسلامی هم . ناموریت میدیدند امروز پانزدهم خرداد اعلامیه های موصوف را بین طلاب این مدارس پوربوع شد و رسمه تحریک و اخلاکرا فراهم آوردند . پوربوع اعلامیه های مصرمستعد در مدارس مختلف حوزه علمیه هم و مطالعه این اعلامیه ها به وسيله تعدادی از طلاب مدارس مدنور . موجب شد که عدّه ای از طلاب مرتجع و منصب با

انها از رهمنون های شی از عوامل ارتجاع سیاه که منتهی پیش به خاطر فعالیت های ضد ملی از کشور طرد شده است ، درصدد برآمدن کمناوجه به نزدیکی روز ۱۵ خرداد ، و نیز جهت مسرره باشور و شوقی که مردم برای عضویت در حزب رستاخیز منت ایران و شرکت در انتخابات از خود نشان میدهند متذکر به اقدامات اخلاکرا نه کنند .

تحریرات احمد گروبی در اجرای این تصمیم شخصی تمام شیخ احمد گروبی کمسرش از عوامل مارکسیست اسلامی بوده ، و چندی پیش نامه انعامات نریک گروه پرورسی مارداست و محکوم شده است با طریح دلی ، و آگاهی از فعل و انبساطی کتدر مدارس مذکور در شرف بکون بود ، و عوف ، انتمینمترده و به خاطر دانش یک سلسله تعداد ارتجاعی - ارتحنه مخالف با سوا این موضوعه منرضی اجتماعات بعد سال اخیر و میانهی کتاز بر نایب منصب اب ایران بویرت - اجتماعه نشان شده . و همجنس مخالف با رتبع حجاب و سرک مخالفه مایوان در هر کویه فعالیت سیاسی و اجتماعی شروع بعمل کرده و به ایران یک سلسله سخنرانی های تحریک آمیز مداوم در چند مدرسه دنی تمام عبادت و ررید

و روحانیان نمود کنند چنین جهت تماس با استاد هاشم مرتجعین ، مارکسیست های اسلامی بقران ، مارکسیست های سرری موقمشو تهمدکری و همطری معدود ارتحنه نمده و عوامل ارتجاعی ، مراحتسکند . ایجاد عوامل ارتجاع سرتوسده منجر به تشکیل جنسیت و بحث و تصمیم گیری فرمورد سره انداختن نظرات و دانشمار و تهیه اعلامیه های در مخالفت با حزب رستاخیز منت ایران سه اصل پیتسادی آن و

مقامات انتظامی و امنیتی امروز اطلاعات جدیدی بهرامون جزانش چمدور قبل شهرستان قم که مسجر بهارناتس ، عدای آشوبگر در مدارس حوزه علمیه قم تصرف معذیری مدارک مسره و نس و جزوات کمیسی از حجرات آسان شد ، در اختیار وساتل ارتطاط جمعی گذاشتند .

بهوجب اعلام مهم های مبرور ، و بسناد تحفیت از جمعی میل مارکسیست های اسلامی سسی دانستند که بحوی در بین طلاب

شخص موصوف طی این سخنرانی ها ، مسیر ها ، مرضانهای از احکام و قوای دینی بعمل آورده و بدین ترتیب موفق شد که عدهای از طلاب محصلین ساده لوح و ناآگاه اغفال و باخود و عناصر دیگر وابسته به مارکسیستهای اسلامی همراه کند و در نتیجه تظاهرات را که چگونگی آن قبلا باطل رسیده برپا کند .

### انگیزه

برای اعلام مقدمات انقضی در تحقیقی که در جهت تپس انگیزه های شخص موصوف از مبادرت به ایجاد بیوا و آشوب در یکی از مراکز دینی بعمل آمد صراحتا اعلام کرد که با سهام مل مقام شاهنشاهی معاون اساسی اعلامیه ساه و ملو محمیدان حق سوسی به زبان محله موده . قسمت اخیر اعلامیه را بدین مقصود اسلام میباید . موفتر دیگر از عناصر مستگیر شده اخیر به اساسی محمد محمدشوسین جوان بختی که اولی سابقه بازداشت و نومی حوال محکومیت بملت فعالیت در گروه مارکسیست های اسلام داره اند در اعتراضات خود عنوان کردند که بس از آزادی از زندان مجددا در صدد برآمد که بوشش طلبو در جمع طلبان حوزه های علمیه هم فعالیت های ضد امنیتی خود را دنبال کند . این دویتر در تمییب هدف های مارکسیست های اسلامی تعدادی اعلامیه و جزوات مربوط به مارکسیست های اسلامی و همچنین اعلامیه ها و نشریات مربوط به گروه های تروریست خارجی و نشریات کمونیست های ایرانی از جمله جزوه ای بنام ( ضرورت مبارزه مسلحانه ) را در بین محصلین حوزه های علمیه هم توزیع و افراد را به مطالعه و رد و بدل کردن آنها تشویق کرده اند . آنگن محمیدان در ادامه اعتراضات بیان داشتند که اعلامیه های را در مخالفت با حرب رسد حیز ملت تهیه و تکثیر و ضمن مسافرت به شهرستان های دزفول ، شمشیران و لاهیجان آنها را توزیع کردند .

### ساده ماجرا

بلوای هم در روز های پانزدهم و هفدهم خرداد ماه جاری بوسله امرادی در میان طسلاب مدرسه فیضیه و دارالشفای قم ، آرامش این شهر مقدس را برای مدت کوناهی برهم زد . این افراد که بسویه عوامل ارتجاعی سرخ و ساه و بظاهر ایرانی خارج از کشور ، نقاب چهره رده بودند ، با کسوتی بظاهر روحانی و بمنظور اسجاد تحریکات و برهم زدن آرامش ، شعار های ضد میهنی و تحریک آمیز سر دادند . آنها سا بادآوری بلوا و حادثه هرج و مرج طلبانه پانزدهم خرداد ماه ۴۲ که همراه با یکسلسله اقدامات خرابکارانه و آتارشیستی بدست آمد ، گوشه بند نادامه انتشار خود را در مدارس باد شده ، توسعه دهند و حتی آن را به دیگر مراکز حوزه علمیه هم بکشاند . بلواکنندگان بظاهر ظله ، بعد برجهره ، در و بجره مدارس را درهم شکستند و به وسایل مورد استفاده طلبان علوم دسی آسیب رساندند و هنگامی که با ماموران انتظامی و نوسس آنان برای حفظ نظم و معوق ساختن اخلالگران روبرو شدید ، با چوب و حماق و سکه های سنگ به ماموران حمله بردند در حالی که گروهی از آنان شعار های کمونیستی نیز میدادند و برجم سرخ برافراشته بودند . در پی فرو نشاندن این بلوا ، خبر اتحاد اغتساش مشتسی او باش و تحریکات منبوخانه و بی نتیجه آنها که ایرانیان مردود داشته اند با تاسف عمیق مراجع تقلید همراه شد . بدنبال این حادثه و بازرسی از حجره ها و محل های سکونت افراد بازداشت شده ، در

دارالشفای قم و مدرسه فیضیه یک بمب دست ساخته و مقداری مواد منفجره همراه با مقداری اسناد ، مدارک و کتب کمونیستی بدست ماموران افتاد .

# افراد نقابدار در قم بلوای خیابانی به راه انداختند

کیهان هوایی شب

تظاهرات نقابداران

۲۴ خرداد ۱۳۵۴ - ۱۴ ژوئن ۱۹۷۵

## با تأسف عمیق مراجع تقلید و روحانیون روبرو شد

● کتب کمونیستی و مدارک و اسناد دردو

مدرسه دینی بدست مأموران افتاد .

● کلیه اخلاطگران در حوادث قم شناخته

شدند و بازداشت گردیدند و بزودی

پرونده اتهامی آنان برای رسیدگی

قانونی به مراجع قضائی ذیصلاح فرستاده

خواهد شد .

بودند ، ابتدا مبادرت به شکستن در و پنجره مدارس نموده و خساراتی را به وسایل مورد استفاده طلاب علوم دینی در این مدارس وارد آوردند و پس از خروج از مدرسه هنگامی که مأمورین انتظامی در صدد متفرق نمودن آنان و برقراری نظم و جلوگیری از توسعه این اخلاطگریها در خیابانها بودند ، با چوب و چماق و سنگ به مأمورین حمله ور گردیدند در جمع مذکور چند نفری نیز شعارهای کمونیستی داده و حتی پرچم قرمز برافراشته بودند .

این گونه آواهاش گریها و تحریکات مزبوحانه که همواره با سخاقت شرفرد میهن پرست ایرانی روبرو شد در سبامه روحانیت و در زیر مراجع تقلید نیز با تأسف عمیق مواجه گردید .

طبق اعلام مقامات انتظامی کلیه افراد محرک و اخلاطگر در این حوادث شناخته شده و بازداشت گردیدند و بزودی پرونده اتهامی آنان جهت رسیدگی قانونی به مراجع قضائی ذیصلاح احاله خواهد شد .

در بازرسی از حجرهها و محل های سکونت افراد بازداشت شده در مدرسه فیضیه و دارالشفایك عدد بعب دست ساز و مقداری مواد منفجره و همچنین تعدادی اسناد و مدارک و کتب کمونیستی کشف و ضبط گردید .

روزهای ۱۵ و ۱۷ خرداد ماه جاری افرادی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و دارالشفای قم با کسوت بظاهر روحانی به منظور ایجاد تحریکات مبادرت به دادن شعارهای ضد ملی و میهنی نموده و در این میان با یادآوری یکی از تنگ آورترین حوادثی که در سال ۴۲ همراه با يك سلسله اقدامات آنارشیستی و خرابکاری از جانب مرتجعین سیاه در کشور ما بوجود آمد ، کوشش نمودند دانشه این اغساشات را در مدارس مزبور توسعه دهند و به سایر مراکز حوزه علمیه قم بکشانند .

افراد مزبور که به شیوه عوامل ارتجاعی سرخ و سیاه و بظاهر ایرانی در خارج از کشور ، ماسک به چهره زده

## شاهنشاه: با ارتجاع سیاه

### و بی وطن‌های سرخ روبرو هستیم

#### اتحاد نامقدس

شاهنشاه افزودند :

پس در این یکسالی که از مذاکرات حضوری ما میگذرد ، چند تغییر بارز پیدا شده است که باید فکر شما را متوجه خودش بکند . کمالینکه کرده است . یکی ایجاد این حزب ملی ایران رستاخیز ملت ایران که در آن تمام افراد می‌توانند شرکت کنند و این شاید بزرگترین نماینده همان فکر مشارکت مردم در امور مملکتی است و این را میخواهیم تا سرحدی که ممکن است شما تعمیق و تحقیق بکنید . این موضوع مشارکت را از هر نقطه نظری مطالعه کنید . اینکه قسمت سیاسی و ملی آن است و بعد هم در قسمتهای اقتصادی و فرهنگی و غیره و غیره مطالعه کنید . در بین مطالعات دیگری که البته خواهید داشت و به تدریج هروقعی ، هرزمانی فکرتان متوجه یک مطلب جالبی خواهد شد . ولی ضمناً میخواستم شما از نظر علمی یک مطلب دیگری را که به کرات به آن اشاره کردیم . این را هم برای خودتان برای ملت برای همه مطالعه کنید و آن این پدیده‌ای است که ما از روز اول انقلاب ایران به آن متوجه شدیم و تذکر دادیم و آن به قول خود من اتحاد نامقدس ارتجاع سیاه و بیوطن‌های سرخ است .

این را هم ما هنوز هم که هنوز است در پانزدهم خرداد دیدیم . مرتجع‌ترین طبقات مملکت که برضد اصلاحات ارضی بودند ، برضد اصلاحاتی که برای کارگران کردیم ، بودند ، برضد آزادی زنان بودند ، رفتند حتی کتابخانه‌ها را آتش زدند .

این قبیل اشخاص با بی‌وطن‌های سرخ همدست بودند . در موقع انقلابات خبری که چندتا خان از خدا بی‌خبر راه افتاده بودند ، باز دیدیم که سرخ‌ها میخواستند که پل خراب کنند ، چه بکنند .

پریروز یا یک روزی پیشتر در محیط دانشگاهی ایران منجمله دانشگاه تهران ، ما شعارهایی دیدیم عجیب . یعنی باز همان عناصر بیوطن سرخ با مرتجعین سیاه هر دو گفتند :

گرامی باد سالروز ۱۵ خرداد . ملاحظه بکنید : ۱۵ خرداد ، معنای آن چو بود ؟ یک دقیقه پیش گفتیم چطور ممکن است یک ایرانی آن روز سیاه و کثیف را گرامی بدارد .

و این از دهن مرتجع‌سیاه و بیوطن سرخ درمی‌آید . البته این را میل دارم مطالعه کنید . گوا اینکه یک چیز عجیبی نیست . کما اینکه شنیدید دیروز یا پریروز بود .

کیهان هوانی      شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۵۴ - ۱۴ ژوئن ۱۹۷۵

## دانشجویان ((مذهبی)) تلویزیون دانشگاه آریامهر را شکستند

تعدادی از دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه صنعتی آریامهر، در بوفه خوابگاه را شکستند و تلویزیون خوابگاه را از طبقه چهارم به پائین پرتاب و خرد کردند.

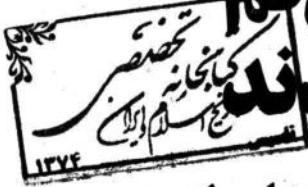
این عده از دانشجویان که زمانی خودشان را روشنفکر میدانند و گاهی خود را دارای افکار مذهبی و زمانی خویش را روشنفکر مذهبی مینامند، ضمن اخلال نظم در مراکز آموزش عالی و شکستن لوازمی که برای رفاه دانشجویان فراهم شده کلاً از فردی متابعت میکنند که چه در گذشته و چه در زمان حال با هرگونه اصلاحی در کشور مخالف بوده و بویژه این مخالفت در زمینه اصلاحات ارضی و آزادی زنان بطور وضوح مشخص و به ثبوت رسیده است. تبعیت ارتجاعی از این گونه افراد که خصوصاً از لحاظ سیاسی متفنون و مشکوک هستند، پیروی از افکار مرتجعانه را بخوبی نشان میدهد. و اگر غیر از این بود دست به شکستن و از میان بردن وسایل مورد نیاز رفاهی دانشجویان و از آنجمله تلویزیونی که وسیله سرگرمی دانشجویان را در خوابگاه فراهم میسازد، نمیزدند. معلوم نیست اینها با دستگاه گیرنده تلویزیون چه دشمنی داشته‌اند و این دستگاه مرتکب چه خطائی شده بود که آنرا از پنجره به بیرون پرت کرده‌اند.



• در ۱۵ خرداد - برابر با ۱۲ محرم - هزاران تن از مردم بیگانه و سید ظالم ما با گوله های شاه جلاور بیکل رسیدند .  
• مرگ پر جلال .



# عاملان شورش قم معرفی شدند



اعلامیه‌های گروه‌های  
ترویسست خارجی و جزوهای  
بنام ضرورت مبارزه مسلحانه  
رایین محصلین حوزه‌های  
علمیه قم بخش کرده بودند

اعلام بلاوا، جزوات و  
اعلامیه‌های گروه‌های  
ترویسست خارجی و جزوهای  
بنام ضرورت مبارزه مسلحانه  
رایین محصلین حوزه‌های  
علمیه قم بخش کرده بودند

مختلف بخش شد

● مارکیست‌های اسلامی بلوای قم را  
براه انداختند.

اعلام بلاوا، جزوات و  
اعلامیه‌های گروه‌های  
ترویسست خارجی و جزوهای  
بنام ضرورت مبارزه مسلحانه  
رایین محصلین حوزه‌های  
علمیه قم بخش کرده بودند

برابر اعلام مقامات انتظامی در  
تحقیقاتی که در جهت تعیین انگیزه  
های شخص موصوف از مبادرت  
بایجاد بلاوا و آشوب در یکی از  
مراکز دینی بعمل آمده، صراحتاً  
اعلام کرده است که به رستاخیز  
ملت ایران وسه اصل آن که  
عزیزت از قیام اساسی - مذهب  
شاهنشاهی و انقلاب شاه و ملت  
معتقد نیست و با دادن حقوق  
مساوی به زنان مخالف بوده  
و قسمت اخیراً مقابله با شرع مقدس  
اسلام‌مندان همچنین مومنان دیگر از  
فناسر دستگیر شده با ساسی احمد  
محدث و حسن جهان‌بخشی که  
اولی سابقه بازداشت و دومی دو  
سال محکومیت بعلت فعالیت پر  
گروهمارکسیست‌های اسلامی داشتند،  
در اعترافات خود عنوان نموده‌اند که

پس از آزادی از زندان مجدداً در  
صدد برآمدند که با پوشش طلحه  
و در جمع طلاب حوزه‌های علمیه  
قم فعالیت‌های ضد امنیتی خود را  
دنبال نمایند این دو نفر در تمسب  
هدفهای مارکسیست‌های اسلامی  
تعدادی اعلامیه، جزوات مربوط به  
مارکسیست‌های اسلامی و همچنین  
اعلامیه‌ها و نشریات مربوط به  
گروه‌های ترویسست خارجی و  
نشریات کونستهای ایرانی از جمله  
جزوهای بنام (ضرورت مبارزه  
مسلحانه) را در بین محصلین حوزه  
های علمیه قم توزیع و افراد را  
مطمئن و رد و بدل کردن آنها  
تشویق نمودند آن‌ها همچنین در  
امامه اعتراضات خود بیان داشتند  
که اعلامیه‌هایی را در مخالفت با  
حزب رستاخیز ملت تهیه و تکثیر  
و ضمن مسافرت به شهرستان‌های  
دزفول، شریاز، و لاهیجان آنها را  
توزیع کردند.

سیاه که منشأ پیش‌بنیاد  
فعالیت‌های ضد ملی از کشور طرد  
گرفته است، درصدد برآیند که  
با توجه به نزدیکی روز ۱۵ خرداد  
و نیز در مبارزه با شور و شوقی  
که مردم برای عضویت در حزب  
رستاخیز ملت ایران و شرکت در  
انتخابات از خود نشان میدهند،  
مبادرت با اقدامات اغسال‌گرانه  
نمایند در اجراء این تصمیم  
شخصی بنام شیخ احمد گروهی که  
پیش از عوامل مارکسیست‌های  
بوده و چندی پیش به اتهام  
فعالیت در یک گروه ترویسستی  
بازداشت و محکومیت حاصل  
نموده است، با طرح قبلی  
و آگاهی از فعل و انفعالاتی که  
در مدارس مذکور در شرف تکوین  
بود موقع را ممتنع شمرده و بناظر  
داشتن یک سلسله عقاید ارتجاعی از  
جمله مخالفت با قوانین موضوعه  
مترقی اجتماعی چند سال اخیر و  
مواسی که از این بات نصیب  
ایران بویژه طبقه فوکان گردید  
همچنین مخالفت با رفع حجاب و  
شرکت فعالانه بانوان در هرگونه  
فعالیت سیاسی و اجتماعی شروع  
بشد آورده و با ایراد یک سلسله  
سخنرانی‌های تحریک‌آمیز مداوم در  
چند مدرسه دینی قم مبادرت  
می‌ورزد.

شخص موصوف طی این سخنرانی  
ها تفسیرهای مفرضانه از احکام  
و قوانین دینی محس آورده و  
بدین ترتیب موعی شده است که  
عدهای از طلاب و محصلین ساد،  
لوح و ناگانه را افعال و با خود  
و حاضر دیگر وابسته به مارکسیسم  
های اسلامی عمراء نظید و در  
نتیجه تقاضای آن که چگونگی  
آن قلاً باطلع رسیده برانجامد.

مقامات انتظامی و امنیتی امروز  
اطلاعات جدیدی پیرامون حوادث  
چند روز قبل شهرستان قم که منجر  
به بازداشت تعدادی آشوبگر در  
حائرس حوزه علمیه قم و تکف  
مکذوری حاکم صفره و کتب و  
جزوات کمونیستی از حجرات آنان  
گردید، در اختیار گذارده.  
بموجب اعلام مقام‌های مزبور  
و بناستادستقیات معموله از چندی  
قبل مارکسیست‌های اسلامی سعی  
داشته که بحوی در میان طلاب  
و روحانیان نفوذ کنند، تماسها  
و ارتباطاتی بین مرتجعین و  
مارکسیست‌های اسلامی برقرار و  
مارکسیست‌های اسلامی موفق میشوند  
حکامی و حرفگی مسودی از  
طلبه‌ها و عوامل ارتجاع سیاه  
را جلب نمایند.

اتحاد عوامل ارتجاع سرخ‌وسپاه  
منجر به تشکیل جلسات بحث و  
تصمیم‌گیری در مورد برانداختن  
تظاهرات و دادن شمار و تهیه  
اعلامیه‌هایی در مخالفت با حزب  
رستاخیز ملت ایران و سه  
اصل بنیادی آن و تحولات و  
اصلاحات کشور می‌شود.  
چند نفر از ابدای این گروه  
در کتوت طلاب مدارس دینی  
فیضیه و دارالافتا قم مابوریت  
می‌بایند در روز ۱۵ خرداد  
اعلامیه‌های موصوف را بین طلاب  
این مدارس توزیع نموده و زمینه  
تشریک و اخلال را فراهم آورند.  
توزیع اعلامیه‌های مفرضه متعدد  
در مدارس مختلف حوزه علمیه قم  
و مطالعه این اعلامیه‌ها بوسیله  
تعدادی از طلاب مدارس مذکور  
موجب گردید که عدهای از طلاب  
مرتجع و متعصب با الهام از  
رضنویهای یکی از عوامل ارتجاع